زندگی قدس
سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۷
۲۹ محرم ۱۴۴۰
سال سی و یکم
شماره ۸۸۰۱
۹ اکتبر ۲۰۱۸
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

روایتی درباره محمود مسعودی
مردی که در زمین‌های برنج و گندم استان گلستان شب‌پایی می‌کند

شب، سکوت، شالیزار

۱۰

گفت‌وگو با امیرحسین مدرس به انگیزه انتشار کتاب «جام باقی» که گزیده‌ای از اشعار مناسب روضه است

استحسان عاشورایی برای مناسب خوانی

۱۴

روح ا... باقری مهاجم آبی پوشان در گفت و گو با قدس:

اولویتم آقای گلی نیست اما می توانم به آن برسم

۱۲

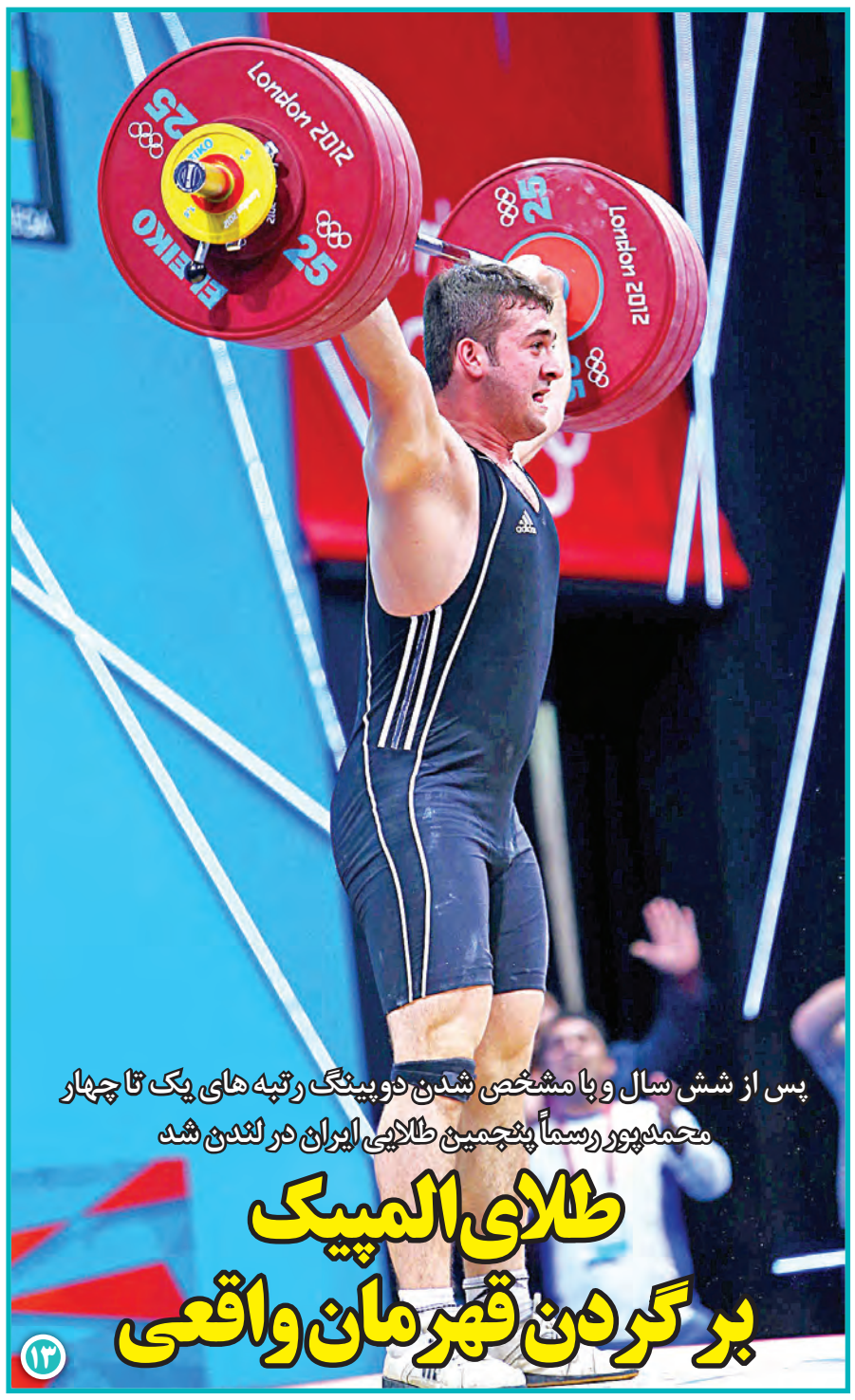

پس از شش سال و با مشخص شدن دوپینگ رتبه های یک تا چهار محمدپور رسماً پنجمین طلایی ایران در لندن شد

طلای المپیک بر گردن قهرمان واقعی

۱۳

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرتی و جهانگردی پویا کیش پرواز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۹۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۲۹۸۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۳۰ و نامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۷۵۸۷ مورخ ۱۳۹۷،۰۵،۰۶ اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - خانم فاطمه چوبدار به شماره ملی ۰۶۵۰۱۴۵۱۲۷ به عنوان بازرس اصلی برای علی البدل و خانم وجیهه رحیمی به شماره ملی ۰۹۴۱۳۷۱۱۲۳ به عنوان بازرس اصلی برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: خانم حانیه سراجی به شماره ملی ۰۶۴۰۳۵۶۹۹۰ آقای ابوالقاسم سراجی به شماره ملی ۰۹۳۷۷۲۶۵۴۰ و خانم کنیز سکینه بهزاد پور به شماره ملی ۰۰۷۳۰۸۴۷۹۴ آ ۹۷۱۰۸۹۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۷۹۳)

آگهی انحلال شرکت مهرزاد بسپار شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۳۳۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۳۷۱۳۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۲۴ شرکت مذکور منحل گردید. آقای علی اصغر خنائی به شماره ملی ۰۹۳۴۴۸۱۵۰۴ به سمت مدیر تصفیه برای مدت دو سال انتخاب گردید. مرکز تصفیه : استان خراسان رضوی - شهرستان مشهد - بخش مرکزی - شهر مشهد-محله آزاد شهر-خیابان میرزاکوچک خان[معلم۶-فرهنگ۳]-خیابان میرزا کوچک خان۱۶[مدرس۱۵]-پلاک ۶۹-طبقه چهارم- به کدپستی ۹۱۸۸۸۸۴۸۴۷ می باشد.۹۷۱۰۹۰۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۴۳)

آگهی تغییرات شرکت گردشگری نمونه چالی دره سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۷۹۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۹۰۷۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۱،۳۰ ونامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۵۳۶۲ مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۰۵ سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری ونامه شماره ۴۲۳ مورخ ۱۳۹۷،۰۵،۰۴ شورای اسلامی شهر طرقبه تصمیمات ذیل اتخاذ شد : شرکت تجارت سازه آویژه آریا به شماره ملی ۱۰۳۸۰۵۴۱۵۶۰ به نمایندگی آقای احمد یزدان پناه به شماره ملی ۰۶۸۰۹۱۳۹۸۱ شهرداری طرقبه به شماره ملی ۱۴۰۰۲۷۸۹۰۰۳ به نمایندگی آقای علیرضا خادم پیر به شماره ملی ۰۸۷۱۹۷۰۲۶۰ آقای عباسعلی منزل آبادی به شماره ملی ۲۱۲۱۲۷۹۲۳۷ سازمان همیاری شهرداریها به شماره ملی ۱۴۰۰۰۲۲۴۶۱۷ به نمایندگی آقای قربان میرزائی به شماره ملی ۰۰۳۵۷۸۰۶۲۲ موسسه توسعه گردشگری به شماره ملی ۱۴۰۰۳۱۸۱۱۴۹ به نمایندگی آقای جعفر فرشچی طوسی به شماره ملی ۰۹۳۸۶۸۸۷۷۴ اقای وحید سماکار به شماره ملی ۰۹۴۱۲۸۴۴۴۱ آقای هادی وفا کیش به شماره ملی ۰۹۳۵۰۱۷۰۶۲ به سمت اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.۹۷۱۰۹۰۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۲۱)

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرت هوایی وجهانگردی وزیارتی اهنگ سفرتوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۶۶۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۸۱۳۹۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۱۵ و نامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۱۸۴۷ مورخ ۹۷،۲،۱۷ سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و نامه شماره ۸۸۵۲ مورخ ۹۷،۲،۲۳ سازمان هواپیمایی کشوری و نامه شماره ۹۷،۱۹،۲۷۸۷ مورخ ۹۷،۲،۱۸ سازمان حج و زیارت خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : . اعضا هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند : الف) آقای محمد علی خطیب به شماره ملی ۶۵۲۰۶۴۸۴۱ ب) آقای فرزان خطیب به شماره ملی ۰۹۳۸۶۸۷۳۴۴ ج) خانم مهسا خطیب به شماره ملی ۰۹۳۷۹۹۸۸۴۲ - آقای امیر حسین غفوریان نسبت به شماره ملی ۰۹۳۲۱۹۷۹۶۵ به سمت بازرس اصلی وآقای امیر قیاسی دوزنده به شماره ملی ۰۹۳۳۹۵۵۸۷۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.۹۷۱۰۹۱۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۷۴)

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرتی و جهانگردی پویا کیش پرواز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۹۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۲۹۸۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۳۰ و نامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۷۵۸۷ مورخ ۱۳۹۷،۰۵،۰۶ اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس استان خراسان رضوی - شهرستان مشهد - بخش مرکزی - شهر مشهد-محله هنرستان-خیابان وکیل آباد ۲۰-بلوار وکیل آباد-پلاک -۳۲۶-طبقه همکف- کد پستی ۹۱۷۸۷۸۳۹۳۸ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.۹۷۱۰۸۹۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۷۹۵)

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرت هوایی وجهانگردی وزیارتی اهنگ سفرتوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۶۶۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۸۱۳۹۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۱۵ و نامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۱۸۴۷ مورخ ۹۷،۲،۱۷ سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و نامه شماره ۸۸۵۲ مورخ ۹۷،۲،۲۳ سازمان هواپیمایی کشوری و نامه شماره ۹۷،۱۹،۲۷۸۷ مورخ ۹۷،۲،۱۸ سازمان حج و زیارت خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آقای محمدعلی خطیب به سمت رئیس هیات مدیره و مدیر عامل به شماره ملی ۰۶۵۲۰۶۴۸۴۱ - آقای فرزان خطیب به سمت نایب رئیس هیات مدیره به شماره ملی ۰۹۳۸۶۸۷۳۴۴ - خانم مهسا خطیب به سمت عضو هیئت مدیره به شماره ملی کلیه چکها و اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت به امضاء با امضاء آقای محمد علی خطیب یا فرزان خطیب همراه همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.۹۷۱۰۹۱۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۷۳)

آگهی تغییرات شرکت بازار گستر پگاه منطقه دو شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۸۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۸۳۶۹۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : شرکت شیر پاستوریزه پگاه گیلان (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۱۹۴۲۰ و شماره ثبت ۸۸۴۰ به نمایندگی آقای سید محمد موسوی سعید به شماره ملی ۰۹۰۱۱۱۴۹۶۰ به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره برای بقیه مدت قانونی تا تاریخ ۱۳۹۷،۱۱،۹ انتخاب گردید. مابقی نمایندگان حقیقی اعضای حقوقی هیئت مدیره کماکان در سمت خود باقی هستند. -آقای سید محمد موسوی سعید به شماره ملی ۰۹۰۱۱۱۴۹۶۰ به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب شد. - اختیارات هیئت مدیره به مدیرعامل شرکت طبق صورتجلسه به وی تفویض گردید . - کلیه قراردادها و اسناد و اوراق بهادار و بانکی تواماً با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و در غیاب آنها با امضای دو عضو هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و سایر نامه های اداری با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر می باشد.۹۷۱۰۹۰۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۴۷)

آگهی تغییرات شرکت خدمات دامپزشکی حافظ دام توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۰۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۴۸۶۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : بنا به تفویض اختیار حاصله از مجمع عمومی فوق العاده مورخ۹۷،۳،۵ هیات مدیره در خصوص افزایش سرمایه و با عنایت به اظهارنامه تنظیمی و همچنین سند حسابداری صادره مبنی بر تصفیه مطالبات و انتقال مطالبات مذکور به حساب سرمایه هیئت مدیره شرکت افزایش مزبور را عملی دانسته در نتیجه مبلغ ۲۰۶۵۳۶۲۰۰۰۰ ریال از حساب بدهی شرکت کسر و به حساب سرمایه منظور گردیده است در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می گردد : ماده ۵ اصلاحی : سرمایه شرکت مبلغ ۲۰۶۸۱۶۲۰۰۰۰ ریال منقسم به۲۰۶۸۱۶۲ سهم۱۰۰۰۰ ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردید.۹۷۱۰۸۹۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۱۹)

تاسیس شرکت سهامی خاص بهاوران حساب مه ولات درتاریخ ۱۳۹۷،۰۶،۰۷ به شماره ثبت ۴۰۵ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۸۰۸۶۹۴

ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :انجام کلیه امور مربوط به حسابداری،خدمات مالی - تنظیم فرمهای مالی برای موسسه و شرکتهای مربوطه -تهیه و تنظیم صورت های مالی (ترازنامه- سود و زیان -گردش وجوه نقد و نسبتهای مالی) - تهیه و تنظیم و تحریر دفاتر قانونی -تنظیم و تحریر اسناد حسابداری - تهیه و تنظیم اظهار نامه مالیاتی -تهیه و تنظیم اظهار نامه ارزش افزوده - حسابداری درآمد - ثبت و ارسال نسخ درمانی به سازمانهای بیمه گر درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان رضوی - شهرستان مه ولات - بخش مرکزی - شهر فیض آباد-محله امام خمینی-کوچه دکتر شریعتی ۱۶-بن بست صداقتی-پلاک ۲-طبقه همکف- کدپستی ۹۵۳۱۷۱۹۹۸۱ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۹۰۳۱۹۴ مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۲۸ نزد بانک رفاه شعبه فیض اباد با کد ۱۱۹۴ پرداخت گردیده است والباقی در تعهد صاحبان سهام می باشد اعضا هیئت مدیره خانم اکرم بصیر فیض آبادی به شماره ملی ۶۵۱۰۰۵۷۶۵۴و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای احمد بصیر فیض آبادی به شماره ملی ۶۵۱۹۹۳۵۴۰۹و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای محمد بصیر فیض آبادی به شماره ملی ۶۵۱۹۹۴۵۵۰۱و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء آقای محمد بصیر فیض آبادی به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان خانم زهرا کتابی به شماره ملی ۶۵۱۰۰۰۴۴۴۵ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی آقای علی مومنی عبدل آبادی به شماره ملی ۶۵۱۹۹۴۴۰۸۴ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار قدس جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. ۹۷۱۰۸۹۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مه ولات (۲۶۳۸۰۴)

www.qudsonline.ir
پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین
هر لحظه با شما...

روایتی درباره محمود مسعودی
مردی که در زمین‌های برنج و گندم استان گلستان شب‌پایی می‌کند

شب، سکوت، شالیزار

مردم / حسن احمدی‌فرد | آتش، خاموش شده. زیر خاکسترها اما هنوز مختصری زغال افروخته هست و گرمای مختصری به کتری سیاه می‌دهد. چشم‌های آقا محمود، حسابی سرخ شده. معلوم است همه دیشب را بیدار بوده. حالا زیر آفتاب رنگ پریده صبحگاهی، جلوی کومه نشسته و می‌خواهد دوباره آتش روشن کند. آسمان ابر و آفتاب است. چوب خشکی را می‌شکند و می‌گذارد کنار زغال‌ها. فوت می‌کند به زغال‌ها و خاکسترها به هوا بلند می‌شود. بوی دود، با بوی رطوبتی که در هواست، می‌آمیزد. بوی نم برنج اما بیشتر از هر بوی دیگری در هوای صبحگاهی، موج می‌زند. شالیزارها همیشه همین بو را دارند. انگار کسی برنج فراوانی در آب خیسانده تا پلوی عروسی بپزد؛ یک عروسی مفصل با یک عالمه میهمان که از دور و نزدیک آمده‌اند تا دست بزنند و پا بکوبند و پلوی عروسی بخورند... اما نه از عروسی خبری هست و نه از پلوپزان. صبح ساکتی است. هر از گاه ماشینی از جاده دوردست رد می‌شود یا صدای پرنده‌ای که دیده نمی‌شود از بالای درخت پشت کومه شنیده می‌شود.

«محمود مسعودی»، برنجکار است؛ یکی از هزاران برنجکاری که در ارتفاعات سرسبز استان گلستان، برنج می‌کارد. او ۵۶ سال دارد. یکی از پسرهایش در اداره منابع طبیعی جنگلبان است و پسر دیگرش هنوز دارد درسش را می‌خواند. روستای آن‌ها در نزدیکی «علی‌آباد» است و ۳۰ کیلومتری با شهر فاصله دارد. «سیاه‌رودبار» در دل کوهستانی وسیع قرار گرفته که یک سرش به روستای ابر در نزدیکی شاهرود می‌رسد و سر دیگرش به علی‌آباد. روستای آن‌ها با چندین و چند روستای دیگر، حدفاصل دو استان سمنان و گلستان است؛ جایی که جغرافیای خشک کویری به پهنه‌های وسیع سرسبز می‌پیوندد. سیاه‌رودبار در کنار «فراتخته» و «میان‌رستاق» اما روستای سرسبزی است؛ آن قدر سرسبز که می‌شود در آن‌ها گندم دیم کاشت. رودخانه‌ای هم که از نزدیکی روستا می‌گذرد، آب سردی دارد که صرف کاشت برنج در شالیزارها می‌شود؛ شالیزارهایی که چندین و چند ماه، هر شب باید کسی در آن‌ها نگهبانی بدهد تا خوک‌ها سر نرسند و به جان شالیزار نیفتند.

باران‌های دلگیر پاییزی

شالیزار آقای مسعودی، جزو آخرین شالیزارهایی است که هنوز محصولشان درو نشده‌اند. برنجی که او امسال کاشته برنج دیررسی است؛ بماند که فروردین ماه، تا جوانه‌های برنج را از «توم‌بیجار» به شالیزار آورده و کاشته، چند هفته‌ای زمان را از دست داده. این است که حالا برداشت محصولش به اول پاییز افتاده. پاییز که برسد، باران‌های شدید می‌تواند شالیزار را خراب کند و بوته‌ها را بغلتاند؛ باران‌های معمولی ضرری برای شالیزار ندارند. برنج‌ها در غلاف هستند و خیسی باران، آسیبی به آن‌ها نمی‌رساند. با این وجود اما او از باران‌های پاییزی دل خوشی ندارد. بارانی هم که همین روزها باریده، بوته‌های به خوشه نشسته برنج را در گوشه‌هایی از شالیزار خوابانده. امروز و فرداست که او هم دست به کار درو شالیزارش بشود. پایین‌تر از شالیزار او، چند شالیزار دیگر هم هستند که هنوز درو نشده‌اند. محصول آن‌ها البته برنج کشت دوم است. چند سالی است که کشت دوم برنج در روستای آن‌ها هم رواج پیدا کرده. آقامحمود اما علاقه‌ای به کشت دوم ندارد. معتقد است شالیزاری که دوبار کاشته شود، برنجش از مرغوبیت می‌افتد؛ برنجی که او کاشته اما برنج مرغوبی است.

آتش، گر گرفته و حرارت دلچسبی را در فضا پراکنده است. آسمان ابری شده. آقای مسعودی، روی تشکچه‌اش جابه جا می‌شود. آب کتری دارد جوش می‌آید. می‌گردد و قوطی چرکمردی را پیدا می‌کند که توی آن، چای سیاه دارد. می‌خندد که: «این‌جا برای شما قشنگ است؛ برای ما، فقط کار است و کار.»

یک کپه چای می‌ریزد توی کتری که دارد قل قل می‌جوشد و کتری را جابه جا می‌کند و می‌گذارد کنار آتش. می‌نالد که: «شما هم که دو سه شب تا صبح در شالیزار بیدار بمانید، دیگر قشنگی‌اش را نمی‌بینید.»

> **برش**
>
> سیگاری دیگری می‌گیراند و محکم پک می‌زند، می‌گوید: «شب‌ها که توی کومه بیدار هستم، همه غم‌های عالم می‌آید روی دلم. خاصیت شب‌بیداری همین است. فکر و خیال می‌زند به سر آدم. فکر زن و بچه، فکر قسط و قرض‌ها.»

استکان زنگار گرفته‌ای را از توی بساطی که گوشه کومه دارد پیدا می‌کند و می‌آورد کنار پیاله به زردی نشسته خودش می‌گذارد. کومه او، آلاچیقی کوچک است که با تیر و تخته و چوب و پلاستیک سر هم شده است. منتظر است تا چای، دم بکشد. سیگاری می‌گیراند و پکی می‌زند، می‌گوید: «شب‌پایی، کار ساده‌ای نیست. چشم روی هم بگذاری، خوک‌ها سر و کله‌شان پیدا می‌شود و مزرعه را خراب می‌کنند.»

کاری که تمامی ندارد

چایش را داغاداغ هورت می‌کشد و می‌گوید: «کار ما تمامی ندارد؛ این کار تمام بشود، آن کار شروع می‌شود. این است که همه سال سرمان با کشت و کارهایمان گرم است و نمی‌فهمیم کی زمستان می‌آید و کی تابستان می‌شود؛ نه عید داریم و نه تعطیلی.»

با دستش به شالیزار اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما به خزانه برنج، توم‌بیجار می‌گوییم. بذرهای برنج آنجا جوانه می‌زنند و پا می‌گیرند. فروردین ماه، توی شالیزارها آب می‌اندازیم تا برای کشت آماده بشود. بعد نشاها را از خزانه در می‌آوریم و می‌کاریم.»

می‌نالد که: «آب که در مزرعه بماند، زالو می‌افتد به آن. تا نشاها را بکاریم، زالوها نصف خونمان را می‌مکند.» می‌خندد که: «این‌ها را که شما نمی‌بینید. شما فقط می‌آیید دو سه روزی این‌جا می‌مانید و بعد هم می‌روید.»

برای خودش چای می‌ریزد و می‌گوید: «هوا که گرم بشود، شالی‌ها سر می‌کشند و برگ در می‌آورند. تازه آن وقت کار شب‌پایی شروع می‌شود. شب‌ها باید سر مزرعه تا صبح بیدار باشیم تا حیوان‌ها به جان مزرعه نیفتند و بوته‌ها را خراب نکنند.»

باز چایش را هورت می‌کشد و می‌گوید: «فقط شالیزار که نیست؛ گندمزار هم همین است.» جایی را در ارتفاعات دوردست نشان می‌دهد و می‌گوید: «زمین گندمکاری ما، آن‌جاست. گندم دیم می‌کاریم. این‌جا همه گندمکاری‌ها دیمه است. گندم‌ها هم که جوانه بزنند و علف کنند، حیوانات جنگل، می‌آیند برای چریدنش. جوانه گندم زودتر از علف‌های جنگلی قد می‌کشد. برای همین هم وقتی هنوز توی جنگل، علفی پیدا نمی‌شود، گندمزارها، سرسبز هستند. اگر مراقب نباشیم حیوانات جنگلی می‌آیند و همه کشت و کار را می‌چرند.»

می‌گوید: «من توی مزرعه گندمکاری‌ام، همه جور حیوانی دیده‌ام. از شوکا و مرال بگیرید تا خرس. گرگ هم دیده‌ام. خرس هم زیاد می‌آید. خرس‌ها، بوته‌های سبز گندم را دوست دارند. بهار مراقب نباشیم، خرس‌ها هم می‌توانند مزرعه را خراب کنند. اینجا جنگل است و همه جور جانوری دارد.»

بی‌پیرها برایم بپا گذاشته‌اند

آقای مسعودی، هزار و یک خاطره دارد از شب‌هایی که تا صبح دور و بر مزرعه راه رفته و نگهبانی داده است. چشم می‌کشد به آسمان که ابرهایش دارد تیره‌تر می‌شود. می‌گوید: «از سر شب، آتش روشن می‌کنیم و می‌نشینیم کنار آتش. حیوان‌ها از آتش فراری هستند،اما مزرعه بزرگ است ممکن است این ور که من آتش روشن کرده‌ام، خوک‌ها از آن ور خودشان را توی مزرعه بیندازند. برای همین هم باید دور تا دور مزرعه راه برویم و چرخ بزنیم. گاهی هم با چراغ قوه، چراغ می‌زنیم تا حیوان‌ها بترسند و دور بشوند. سر و صدا هم می‌کنیم. ما می‌گوییم «هوی کشیدن». صدا در می‌آوریم تا حیوان‌ها بدانند آدمیزادی اینجاست و نزدیک نشوند. البته علف‌های جنگل که بلند بشود، خرس‌ها دیگر سراغ مزرعه‌ها نمی‌آیند. اما حساب خوک‌ها جداست.»

او که از چای داغ سر صبح، کیفور شده، حالا زیر آسمان دم کرده ابری می‌خواهد همه سختی‌های کار شب پایی را توضیح بدهد. می‌گوید: «چند شب پیش، صبح سحر، برای چند دقیقه‌ای توی کومه خوابم برد؛ شرط می‌بندم که یک ربع نشد، اما در همان چند دقیقه یک گله خوک زد به مزرعه و خرابی کرد.»

می‌خندد که: «بی‌پیرها انگار برای من بپا گذاشته‌اند. همین که چشمم روی هم بیفتد، همدیگر را خبر می‌کنند و می‌زنند به دل بوته‌ها». با چوبی، هیزم‌های آتش را جابه جا می‌کند تا باز شعله بگیرند. می‌گوید: «معمولاً کار اصلی شب‌پاها برای گندمزارها از اول تیر است تا آخر مردادماه. از نیمه مرداد تا نیمه مهر هم برای شالیزارها شب‌پایی می‌کنیم.»

سیگاری دیگری می‌گیراند و محکم پک می‌زند. می‌گوید: «شب‌ها که توی کومه بیدار هستم، همه غم‌های عالم می‌آید روی دلم. خاصیت شب‌بیداری همین است. فکر و خیال می‌زند به سر آدم. فکر زن و بچه، فکر قسط و قرض‌ها.» و باز پکی می‌زند به سیگار.

قطره آبی می‌چکد روی صورت تکیده آقامحمود. چشم می‌کشد به آسمان که بنا دارد ببارد و نگاه می‌کند به شالیزار که بوته‌های آن زیر خوشه‌های قهوه‌ای برنج سر خم کرده‌اند. کتری سیاه را برمی‌دارد و برای خودش چای می‌ریزد. چای، تیره شده و بد رنگ. آرام، انگار بخواهد برای دل خودش زمزمه کند، می‌خواند که:

بارون بارونه، زمیناتر میشه
گل‌نسا جونم کارا بهتر میشه...

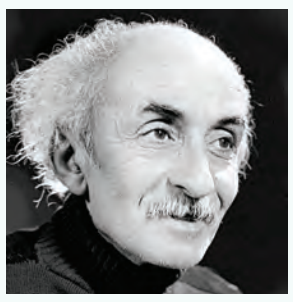

کار شب‌پا نه هنوز است تمام

نیما یوشیج به واسطه زادگاهش، شب‌پاها را خوب می‌شناسد. آنچنانکه از میان همه پیشه‌هایی که در خطه شمال رایج است در یکی از شعرهایش به سراغ شب‌پاها رفته و غم‌های زندگی آن‌ها را سروده است. آنچه در ادامه می‌آید برشی است از شعر بلند او با عنوان «کارِ شب‌پا».

ماه می‌تابد، رود است آرام،
بر سرِ شاخه «اوجا» «تیرنگ»
دم بیاویخته درخواب فرورفته، ولی در «آئیش»
کار «شب‌پا» نه هنوزست تمام.
می‌دمد گاه به شاخ،
گاه می‌کوبد برطبل به چوب،
و اندرآن تیرگی وحشت‌زا،
نه صدایی است به جز این، کز اوست،
هول غالب، همه چیزی مغلوب.

◆◆◆

چه شب موذی و سنگین! آری
همچنان‌ست که او می‌گوید
سایه در حاشیه جنگل باریک و مهیب
مانده آتش خاموش
بچه‌ها بی حرکت با تن یخ
هر دوتا دست بهم خوابیده،
بُردشان خواب ابد لیک از هوش.
هر دو با عالم دیگر دارند
بستگی در این دم.
وارهیده ز بد و خوب سراسر کم و بیش.
نگه رفته چشم آن‌ها،
با درون شب گرم
زمزمه می‌کند، از قصه یک ساعت پیش.
تن آن‌ها به پدر می‌گویند:
«بچه‌هایت مرده‌اند
پدر! اما برگرد
خوک‌ها آمده‌اند
«بینج»ها را خورده‌اند.»
چه کند، برود یا نرود؟
دم که با ماتم خود می‌گِرود.
می‌رود «شب‌پا» آنگونه که گوئی
به خیال.
می‌رود اونه به پا،
کرده در راه گلو بغض گره،
هرچه می‌گردد با او از جا
هر چه و هر چیز که هست از
بر او
همچنان گوری دنیاش می‌آید
در چشم
و آسمان سنگ لحد بر سر او.
هیچ طوری نشده، باز شب ست،
همچنان کاول شب، رود آرام
می‌رسد ناله‌ای از جنگل دور،
جا که می‌سوزد دل مرده چراغ.
کار هر چیز تمام‌ست بریده‌ست دوام
لیک در «آئیش»
کار شب‌پا نه هنوز ست تمام.

روایت یک شب‌پا از همزیستی با مخلوقات خدا

کسی که داغ بنشاند، داغ می‌بیند

آقا محمود هر جا برود، تفنگش را هم با خودش می‌برد. با این وجود تا به حال به حیوانی تیر نزده. می‌گوید: «تفنگ دارم، اما تا حالا به سمت زبان‌بسته‌ای تیر نینداخته‌ام. چرا باید تیر بزنم به حیوانی که او هم مثل ما آدم‌ها، مخلوق خداست؟ همین خوک‌ها که این قدر خرابی می‌کنند را هم تا حالا نزده‌ام. تیر می‌اندازم، اما فقط برای آنکه حیوان بترسد و فرار کند. همین خوک‌ها بهار که می‌شود با توله‌هایشان می‌چرخند و می‌گردند. دلم می‌خواهد بیایید و ببینید چه منظره قشنگی است. وقتی پنج شش تا توله خوک دنبال سر مادرشان هستند. جیرجیر می‌کنند و دنبال هم می‌دوند. آدم در صدایشان و در راه رفتنشان می‌تواند شادی و سرمستی را ببیند. حالا من چطور می‌توانم گلوله داغ بنشانم در تن و بدن این حیوان؟ ما معتقدیم آدمی که گلوله داغ به سینه مخلوقی بنشاند، داغ خواهد دید. ما کشاورزیم، پدران ما و پدران آن‌ها سال‌های سال همین جا در دل همین جنگل‌ها کنار همین مخلوقات خدا زندگی کرده‌اند. حالا من چطور می‌تواند با تفنگم حیوانی را نشانه بگیرم و ماشه را بچکانم؟ همین که جنگلشان را که خانه آن‌ها بوده، از آن‌ها گرفته‌ایم بس است. آن‌ها هم مثل ما چشم‌انتظار دارند. آن‌ها هم مثل ما شب‌ها از جای گرمشان بیرون می‌زنند تا شکمشان را سیر کنند. شاید باورتان نشود، اما خیال می‌کنم حیوانات جنگل هم مرا می‌شناسند و با هم رفیق شده‌ایم و کدام رفیقی است که سر به سر رفیقش نگذارد؟ آن‌ها هم سر به سر من می‌گذارند. غافل بشوم، می‌آیند و زحمت چند ماهه‌ام را خراب می‌کنند. دلیل نمی‌شود که من به سمت آن‌ها تیر بیندازم. کشتن حیوان آن هم با گلوله داغ، که هنر نیست.»

گلایه آقامحمود از آسیبی که آدم‌ها به چرخه زندگی حیوانات زده‌اند

گونه‌های سازگار زیاد شده‌اند

روستای سیاه‌رودبار و روستاهای اطرافش در دل جنگل‌های هیرکانی استان گلستان قرار دارند؛ جنگل‌هایی که درختانش فسیل‌های زنده‌ای هستند که از دوره‌های دور زمین به جا مانده‌اند. انواع درخت‌های سرخدار و نمدار و راش و صنوبر را می‌شود در این جنگل‌ها دید. هر جا که جنگل کم درخت بوده یا درختانش قطع شده‌اند، به مزرعه تبدیل شده است. مزرعه‌هایی که عمدتاً با آب باران آبیاری می‌شوند؛ باران‌هایی که وقت و بی‌وقت در بهار و پاییز می‌بارند و خاک را سیراب می‌کنند. دور تا دور این مزرعه‌ها هم جنگل است؛ جنگل‌هایی که محل زیست انواع حیوانات است از جانورانی مثل آهو(شوکا) و گوزن(مرال) گرفته تا خرس قهوه‌ای و پلنگ.

در این سال‌ها اما با کوچک شدن زیستگاه‌ها و جزیره‌ای شدن آن‌ها، از جمعیت جانوران جنگل هم کاسته شده. در عوض برخی گونه‌های سازگار که همه‌چیزخوار هستند، جمعیتشان رشد کرده و فراوان شده است. این گونه‌ها عموماً دشمن طبیعی هم ندارند یا اگر هم دارند، جمعیتشان بسیار کم است. برای همین هم نرخ رشد و زادآوری در میان آن‌ها بالا و بالاتر رفته است. خوک، یکی از این گونه‌هاست. در نبود پلنگ‌ها، جمعیت خوک‌ها حسابی رشد کرده و به آفتی برای جنگل و برای کشاورزی تبدیل شده‌اند.

آقا محمود می‌گوید: «خوک‌ها زیاد شده‌اند. گله‌ای هم زندگی می‌کنند. به ندرت پیش می‌آید که خوکی، تنهایی به مزرعه‌ای بیاید. آن‌ها وقتی می‌آیند، گله‌ای می‌آیند. گله‌های بیست‌تایی، سی‌تایی و حتی پنجاه‌تایی. می‌دانید وقتی یک گله خوک وارد مزرعه‌ای بشود، چقدر خرابی می‌کند؟»

او ادامه می‌دهد که: «معمولاً دورتا دور مزرعه را حصار می‌کشیم. با شاخه‌های درخت و چوب و سیم و هر چه که دم دستمان باشد، حصاری دور تا دور مزرعه می‌کشیم. حیوان‌های دیگر معمولاً از حصار رد نمی‌شوند، اما چیزی جلودار خوک نیست. آن‌ها با پوزه محکمشان و با دندان‌های نیشی که دارند، هر حصاری را خراب می‌کنند و راهی برای ورود به مزرعه می‌سازند.»

پیشنهاد سفر

درباره قالیچه‌های کرمانجی چه می‌دانیم؟

سفره کردی؛ سوغات خراسان شمالی

حسین رسول‌زاده: جهیزیه دختران کرمانج بدون آن فرش‌های کوچک دستباف چیزی کم دارد. قالیچه‌های کوچکی که طبیعت شمال خراسان را با نقش‌ها و طرح‌های ساده هندسی، تصویر کرده و در گره‌ها و تار و پودشان نشانه‌هایی از دست بافته‌های غرب ایران دارند. فرش وگلیم‌های کرمانجی، نقش‌های ساده‌ای دارند. نقش‌هایی که از گوشه و کنار زندگی روستایی الهام گرفته شده‌اند، از کوه‌ها، درخت‌ها، جانوران و زندگی روزمره. هرکدام به صورتی روی این دست بافته‌ها نشسته‌اند و اسمی گرفته‌اند از «چاگل» گرفته تا «مشک» و «جیران». از قاب گلیم‌های کرمانجی و این نقش‌ها و رنگ‌ها می‌شود، زندگی این مردمان خوش ذوق را تماشا کرد. هرچند که چند دهه‌ای است که بعضی از بافندگان کرمانجی به بافتن فرش و قالیچه‌هایی با طرح‌های کاشانی و تبریزی متمایل شده‌اند، اما هنوز هم بسیاری به طرح‌ها و نقش‌های سنتی وفادار مانده‌اند. از همان نقش‌هایی که در دست بافته‌های نابی باید سراغشان را گرفت که مادربزرگ‌های کرمانجی هنوز هم در جهیزیه‌های‌شان نگه داشته‌اند.

◆ هنر دیرینه زنان کرمانجی

گلیم‌های کرمانجی انواع مختلفی دارند. از گلیم‌های اعلا که به دیوار میهمانخانه کرمانج‌ها آویخته می‌شوند تا گلیم‌های پادری.

◆ گلیم‌های نفیس: گلیم‌های کرمانجی یا آن طور که خود کرمانج‌ها می‌گویند سفره کردی مثل همه گلیم‌های دیگر، فرش‌های بدون پرزی هستند که نوع بافتشان با قالی و قالیچه فرق می‌کند. در بافت گلیم به‌جای آن که دنباله نخ به عنوان پرز، نقش‌ها و شکل‌ها را بسازد، تنها گره‌ها هستند که تصاویر را خلق می‌کنند. گلیم‌ها با نخ مرغوب بافته می‌شوند و اگر طرح و نقش خوبی داشته باشند و خوب هم بافته شده باشند تا میلیون‌ها تومان هم مشتری دارند. زنان کرمانج به شکل معمولی، یک گلیم نفیس را در کمتر از دو ماه می‌بافند.

◆ پادری: پادری هم گلیم است، اما گلیم‌های ارزان قیمتی که ساده‌تر و در زمان کمتری بافته می‌شوند. این گلیم‌ها معمولاً جلوی در اتاق پهن می‌شوند. پادری‌ها معمولاً نقش‌های کمتری دارند و زمینه شان ساده است. با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان هم می‌شود یک پادری مرغوب خرید.

◆ کناره: گلیم‌های کناره، طول بیشتری دارند و معمولاً کناره‌های اتاق را می‌پوشانند، که به خاطر ابعاد متفاوت فرش‌ها و اتاق‌ها، خالی مانده است. گلیم‌های کناره بسته به نوع تار و پود و طول و عرض شان، تا چند میلیون تومان قیمت دارند.

◆ قالیچه: زنان کرمانجی علاوه برگلیم، قالیچه و پلاس هم می‌بافند. قالیچه‌های کرمانجی که به قالیچه‌های ترکمنی شبیه هستند، مشتری‌های خودشان را دارند. نقش و نگارهای قالیچه‌های کرمانجی هم مثل گلیم‌های کرمانجی بیشتر از زندگی روستایی و طبیعت سرسبز منطقه الهام گرفته شده است. این قالیچه‌ها بسته به ابعاد، ظرافت و طرحشان بین ۵۰۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان قیمت دارند.

◆ پلاس: پلاس زیراندازی است که از موی بز یا پشم شتر بافته می‌شود و به‌همین خاطر کمی زبر است. پلاس زیرانداز ارزان قیمتی است که می‌شود همه جا از آن استفاده کرد. از کف سیاه‌چادرهای عشایری گرفته تا پشت اسب و قاطر برای بستن زین و انداختن خورجین. تنها با چند ۱۰۰ هزار تومان می‌توانید یک و نیم در ۲ متر تا حتی پلاس ۲ در ۳ متر خرید.

◆ بازآفرینی طبیعت روی قالی

نخ‌های گلیم بافی تا قبل از آن که رنگ‌های صنعتی همه جا را پر کنند، با استفاده از مواد گیاهی رنگ می‌شدند. روناس، زعفران، پوست انار، پوست بادمجان و پوست گردو از موادی بود که کرمانج‌ها دست بافته‌های شان را با آن رنگ می‌کردند. البته هنوز هم ممکن است، بتوانید دست بافته‌هایی را پیدا کنید که نخشان با رنگ طبیعی رنگ شده است. این روزها بافندگان معمولاً نخ‌های رنگی را به صورت آماده می‌خرند و دست به کار بافت می‌شوند. گلیم کرمانجی معمولاً ابعادی شبیه به هم و هم‌اندازه دارند. عرضشان بین ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر و طولشان بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر است. دار این گلیم‌ها روی زمین پهن می‌شود. این گلیم‌ها از روی نقشه بافته می‌شود و بیشتر نقش‌های به کار رفته در آن‌ها هندسی است و حالتی متقارن دارند. این طرح‌ها هر کدام اسمی دارند و بازگو کننده بخشی از فرهنگ کرمانجی هستند. چین، چاگل، چوچک، بوته، شالچه، مشک، جیران، ترمانیک و هفشان، چند تایی از آن اسامی هستند.

در همه شهرهای استان خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی، می‌شود از فرش فروشی‌ها و فروشگاه‌های صنایع‌دستی، گلیم کرمانجی را سراغ گرفت. بیشتر کارگاه‌های سنتی گلیم بافی در شهر قوچان خراسان رضوی است، اما بیشترین مراکز فروش این گلیم‌ها در شهر بجنورد مرکز استان خراسان شمالی است. اگر هم خواسته باشید می‌توانید به صورت اینترنتی از چند سایتی که به فروش سفره کردی می‌پردازند، به صورت آنلاین خرید کنند. در شهر مشهد هم در بازار رضا(ع) و بازارچه «شهید آستانه پرست» یا همان «بازارچه حاج‌آقاجان» هم می‌توانید گلیم‌های کرمانجی را پیدا کنید.

تفاوت های نظام تربیتی اسلام و غرب در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر شاملی

از نگاه غرب «اخلاق» چیزی در حد قوانین راهنمایی و رانندگی است!

معارف / سید مصطفی حسینی‌راد

بحث تربیت و اخلاق، یکی از مباحث مهم در حوزه علوم انسانی است. این بحث از گذشته‌های دور محور اصلی تعالیم ادیان الهی بوده و البته در کنار آن فلاسفه نیز به بحث اخلاق و تربیت توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. در این میان پرسشی که مطرح می‌شود این است که نگاه امروز جامعه غرب به بحث تربیت و اخلاق، چه نگاهی است. این نگاه چگونه موجب شده است که جوامع غربی و بسیاری از جوامع دیگر که تربیت غربی پیدا کرده‌اند در بیشتر ابعاد و شئونات زندگی مادی، در شرایط بهتری نسبت به دیگر جوامع بشری قرار بگیرند. این پرسش مهم را با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی، دکترای «تعلیم و تربیت ارزش‌ها» از دانشگاه مک گیل کانادا و عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیه در میان گذاشته‌ایم. این پژوهشگر و صاحبنظر حوزه تعلیم و تربیت، سال‌ها در کانادا تحصیل و زندگی کرده و به بسیاری از کشورهای اروپایی نیز با هدف تبلیغ و پژوهش، سفر کرده است.

◆ استاد شاملی؛ با توجه به اینکه چند سالی در غرب زندگی، تحصیل و پژوهش کرده‌اید، بفرمایید که آیا در آنجا هم تأملاتی درباره بحث اخلاق و آموزه‌های اخلاقی کتاب‌های آسمانی بخصوص قرآن کریم داشته‌اند تا بتوانند از آموزه‌ها و تعالیم آن استفاده کنند؟

متأسفانه در دنیای امروز یک مرزی بین دین و زندگی گذاشته‌اند که مردم را از مزایای حیات طیبه و زندگی حکیمانه محروم می‌کند. در حال حاضر جهان دارای دو جبهه است؛ جبهه دین‌داران و جبهه سکولارها. سکولارها کسانی هستند که یا دین ندارند یا اگر دارند می‌گویند دین نباید در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقشی داشته باشد؛ بلکه نقش دین به محدوده تنظیم روابط فردی و عقاید شخصی و رابطه انسان با خدا محدود می‌شود. به همین دلیل متأسفانه ما در کشورهای غربی تا دلتان بخواهد بحث تربیت اخلاقی یا «moral education» را داریم اما آن‌ها می‌گویند اخلاق دو گونه است؛ اول اخلاق درون‌دینی و دوم اخلاق برون‌دینی. متأسفانه بیشتر آن‌ها اخلاق برون‌دینی را قبول دارند و شاخص اخلاق برون‌دینی هم تربیت شهروند سازگار است که به آن اجتماعی‌سازی یا جامعه‌پذیری می‌گویند، یعنی این مفهوم را هم در معنای لازم و هم در معنای متعدی به کار می‌برند. منظور آن‌ها از جامعه پذیری یا اجتماعی‌سازی یعنی «citizenship»؛ این یعنی تربیت شهروند سازگار.

◆ و شهروند سازگار از نظر آن‌ها یعنی چه؟

شهروند سازگار یعنی «آهسته بیا آهسته برو که گربه شاخت نزنه»! یعنی مردم خوب، مردمی هستند که قوانینی را که عمدتاً صاحبان قدرت و ثروت تدوین کرده‌اند، رعایت کنند و با آرامش در همین مسیری که برایشان تعیین شده حرکت کنند و از آن خارج نشوند؛ این می‌شود اخلاق برون‌دینی.

اما ما اخلاق را درون‌دینی می‌دانیم. من در تأملاتی که داشته‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که دین یک نگرش مثلثی است که از سه ضلع اصلی تشکیل شده است؛ باورها، ارزش‌ها و احکام. بنابراین آن اخلاقی که از قرآن و آموزه‌های اهل بیت(ع) به دست می‌آید یک اخلاق درون‌دینی است و آن چیزی که معمولاً در میان غیرمسلمان‌ها مطرح است - که همان اخلاق برون‌دینی است - هم محور و موضوعش، هم روش‌ها و اهدافش با این اخلاق درون‌دینی، متفاوت است.

خوب؛ پس در آنجا یعنی غرب، آن‌ها صورت این مسئله مورد سؤال شما را پاک کرده‌اند، نه اینکه یعنی اخلاق ندارند بلکه آن اخلاق، این اخلاقی نیست که شما از آن صحبت می‌کنید، یعنی مکارم اخلاق و معرفت و...؛ بلکه می‌گویند ما یک جامعه هموار، همزیست، آرام و بی‌دغدغه‌ای می‌خواهیم و نُرم‌های اخلاقی خود را هم بر این اساس پی‌ریزی کرده‌اند. این نُرم‌های اخلاقی دقیقاً مثل قوانین راهنمایی و رانندگی هستند.

◆ به جای جالبی رسیدیم! در یک بحث دیگری هم که داشتیم موضوع اخلاق درونی و اخلاق بیرونی از سوی یکی از اساتید مطرح شد و به این موضوع اشاره شد که در غرب، اخلاقِ بیرونی داریم یعنی مثلاً انضباط شهروندی، اما همین شهروند ممکن است در داخل خانه یا مثلاً در رفتارهای شخصی‌اش بسیاری از هنجارهای همان جامعه را هم زیر پا بگذارد، مثلاً ارتباط نامشروع و....

بله! شهروندانی که از چراغ قرمز عبور نمی‌کنند، به کسی زور نمی‌گویند و... اما با سگ و گربه ازدواج می‌کنند و در نهایت پا روی فطرت خود می‌گذارند. چنین اخلاقی در نهایت یک چهره کاریکاتوری و شکننده پیدا می‌کند.

◆ حالا برسیم به یک موضوع بسیار مهم که شاید حاصل بحث اخلاق اجتماعی و فردی باشد، یعنی بحث ظهور امام معصوم(ع). موافقید که تا وقتی اخلاقِ درونی در مردم دنیا شکل نگیرد، این اخلاق بیرونی برای استقبال از ولیِ عصر(عج) کفایت نمی‌کند؟

بله؛ اگر اخلاقِ درون‌دینی نداشته باشیم مفاهیمی مانند «حیا» و «عفت» و «حجاب» بی‌معنی می‌شود و قبلاً هم در بحثی که با روزنامه قدس داشتم عرض کردم پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «إنَّ لِکُلّ دینٍ خُلُقًا، وخُلُقُ الاسلام الحیاءُ». هر دینی برای خودش یک نظام اخلاقی دارد که این نظام اخلاقی حول یک محور مرکزی می‌چرخد و اگر این محور تأمین شود آن نظام اخلاقی، سامان خود را پیدا می‌کند. حالا این نقطه و مرکز ثقل اخلاقی در دین اسلام «حیا» است. حیا هم بر خلاف آنچه مردم می‌پندارند، تنها به معنای شرم و آزرم داشتن نیست بلکه به معنای رسیدن به نقطه‌ای از ایمان و معرفت است که چه در خلوت و چه در جلوت، شما احساس حضور و نظارت ناظر حکیم و علیم را داشته باشید. چه کسی دارای چنین خصوصیتی است؟ کسی که به قول امام راحل، عالم را محضر خدا بداند و در محضر خدا از ارتکاب گناه حیا کند.

پس جامعه‌ای که در آن حیا در برابر خالق وجود نداشته باشد، آمادگی استقبال از ولیّ‌الله الأعظم را هم ندارد.

◆ در حقیقت انسانی که شهروند سازگار است، به دلیل باور نداشتن به عالم غیب و آخرت، تمام همتش را مصروف بهتر زیستن در همین دنیای فانی می‌کند و این بهتر زیستن، از رعایت همین اخلاق بیرونی و مسائل شهروندی به دست می‌آید.

بله؛ این یک زندگی حیوانی مدرن است که ظاهراً به ابعاد جسمی انسان بخوبی پاسخ می‌دهد، اگرچه با نادیده گرفتن ابعاد باطنی و معنوی انسان، سرانجام او را دچار سقوط می‌کند زیرا انسان نمی‌تواند از فطرت خود منفک شود و اگر چنین تلاشی بکند به متلاشی شدن زندگی دنیوی و اخروی‌اش خواهد انجامید.

◆ استاد، حالا بفرمایید برای عبور از این «غفلت فراگیر» و بازگشت به فطرت و اخلاق درونی یا درون‌دینی چه باید کرد؟

نقطه شروع و سکوی پرشِ تربیت درون‌دینی، بارورسازی فطرت است. این فطرت در سه مرحله پیشرفت می‌کند؛ نخست؛ بیدارسازی است، یعنی در اقدام‌های آموزشی و پرورشی پیش از هر کار و اقدام تعلیمی، شما باید فرد را به خودش بیاورید و او را متوجه داشته‌هایش بکنید. ما باید توجه کنیم که موهبت‌های الهی عطا شده به ما، سکوی پرش و عامل اوج‌گیری ما به سمت تقوا و مراتب بالای ارزش‌های اخلاقی است.

دوم؛ حل تنازع درونی بین فجور و تقواست که قرآن کریم هم درباره آن می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» و سوم؛ باز شدن بستر برای آموزش و حکمت است که قرآن از آن به « وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَه» یاد می‌کند.

◆ بتازگی کتابی هم از شما منتشر شده با عنوان «درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه» که با بحث ما مرتبط است. یک معرفی کوتاه هم از این کتاب داشته باشید.

بله؛ در این کتاب دو کار جدی انجام شده که پیشتر انجام نشده است. نخست اینکه در این کتاب مقوله تربیت بر نظریه تربیتی اسلام سوار شده است و هر باید و نبایدی که گفته‌ام، یک پشتوانه نظری اسلامی دارد تا مخاطب بتواند به این نظریات تربیتی اعتماد کند. کار دوم این است که در این کتاب، بحث تربیت به ۱۵ ساحت، خُرد شده است و ما دیگر حرف کلی نمی‌زنیم که مثلاً بگوییم برو بچه‌ات را تربیت کن! تربیت کن دقیقاً یعنی چه کاری انجام بده؟ پاسخ این پرسش‌ها در این کتاب است. این ۱۵ ساحت اگر در ما حل بشود و ما به آن متخلق شویم به آن انسان کاملی که خدای متعال از ما انتظار دارد نزدیک می‌شویم. خواهش جدی بنده از خوانندگان عزیز این است که این کتاب را مطالعه کنند چون دارای مباحث و راهکارهای تازه‌ای در امر تربیت است که حتماً به کار آن‌ها خواهد آمد.

در این کتاب برای شکوفایی فطرت و رسیدن به اخلاق اسلامی یا همان فرمایش نبی اکرم(ص) که می‌فرمایند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکَارِمَ الأَخْلَاقِ»، چهار مرحله تعریف شده است؛ اول؛ شکوفاسازی، دوم؛ تثبیت و پایدارسازی، سوم؛ تصعید یعنی اوج دادن و صعود دادن فرد و کمک برای شکل گرفتن ارزش‌های آسمانی در شخصیت فرد و چهارم؛ تصحیح یعنی اصلاح بیراهه رفتن متربّی. مثلاً شما از نظم به متربّی گفته‌اید و او سر از وسواس درآورده است و حالا باید راهش اصلاح شود یا اینکه مثلاً فرد بیش از حد در مقدمات وضو گرفتن گیر کرده و از اصل معنا و فلسفه نماز غافل شده است.

برش

نقطه شروع و سکوی پرش تربیت درون‌دینی، بارورسازی فطرت است. این فطرت در سه مرحله پیشرفت می‌کند؛ نخست بیدارسازی، دوم حل تنازع بین فجور و تقوا و سوم مقوله بسترسازی برای آموزش و حکمت است

خبر

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

نیازمند تربیت مبلغ در عرصه بین‌الملل هستیم

رسا: حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در همایش اختتامیه بیست و ششمین دوره از مسابقات تلویزیونی قرآن کریم و تجلیل از دانش‌آموزان برگزیده درس‌هایی از قرآن کریم که در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) برگزار شد، گفت: مبلغان نباید تنها به ایام و مناسبت‌ها اکتفا کنند بلکه باید در همه ایام از امر تبلیغ غفلت نکنند

وی افزود: تبلیغ چهره به چهره، بهره‌مندی از متن قرآن، تنوع در ارائه محتوا مانند استفاده از احکام و داستان، نکته‌برداری، یادداشت محتوای سخنرانی و انتقال تجربیات در تبلیغ مفید بسیار مؤثر است؛ بنده نیز در دوران تبلیغ همین موارد را به کار گرفتم. رئیس ستاد اقامه نماز با تأکید بر لزوم برگزاری جلسات خانگی تحت اشراف کارشناس دینی، اظهار داشت: این مراسم و هیئات نباید تنها به ماه رمضان و محرم اختصاص داشته باشد بلکه در همه سال انجام این مهم ضروری است تا نسل جدید و فرزندان با معنویت آشنا و مأنوس شوند، چرا که این امر در تربیت دینی آن‌ها بسیار حائز اهمیت است.

وی اظهار داشت: ما امروز لیسانسه بیکار زیاد داریم اما صد طلبه بیکار نداریم البته به شرط آنکه نهج‌البلاغه و قرآن در دستشان باشد. اگر طلبه اهل کسب مهارت باشد بیکار نمی‌ماند امروز ما بشدت به طلبه نیاز داریم تا در داخل و خارج به امر تبلیغ مشغول شود.

حجت‌الاسلام پناهیان:

مخالفت با برخی قراردادها بر اساس واقع‌بینی و بدعهدی‌های سابق است

رسا: حجت الاسلام و المسلمین پناهیان در جلسه درس اخلاق دانشگاه رضوی با اشاره به مهم بودن مراقبت نفس از اخلاق سکولار افزود: بزرگ‌ترین درد مزمن جامعه اخلاق سکولار است که اخلاق را در مقابل دین قرار می‌دهد و توانایی ضدیت با دین را دارد و در هنگام عمل به ملکات اخلاقی باید به این موضوع دقت کنیم که کسب ملکات در دین برای ما محور قرار داده نشده است. پناهیان اظهار کرد: برخی کورند، نمی‌بینند که آمریکا تنها عقل تجربی دارد و در ۴۰ سال اخیر، انقلاب اسلامی با وجود تحریم‌ها توانسته استکبار را ضعیف‌تر کند و نمی‌دانند که اگر می‌گفتیم برجام نه، بر اساس واقع‌بینی و بدعهدی‌های گذشته آمریکا بود نه بر اساس آرمانی فکر کردن، اما برخی فکر می‌کنند این مخالفت‌ها بر اساس ارزش و آرمان‌نگری است. وی گفت: توهمی‌ها کسانی هستند که بر خلاف واقعیات و تجربیات تصمیم‌گیری می‌کنند اما کسانی که در راه انقلاب و اسلام قرار می‌گیرند واقع‌بین هستند، که این نظر و تفکر را باید در میان جامعه ترویج داد.

به همت دفتر تبلیغ و ارتباطات بین‌الملل حوزه اصفهان

استادان چند دانشگاه اروپایی با اسلام آشنا شدند

حوزه: حجت‌الاسلام مؤمنی، معاون تهذیب و تبلیغ حوزه علمیه اصفهان، در نشستی علمی به سؤالات استادان دانشگاه‌ها و مراکز دینی کشورهای فرانسه، سوئیس و بلژیک پیرامون اسلام و جایگاه روحانیت در اسلام پاسخ داد. این جلسه پرسش و پاسخ به همت دفتر تبلیغ و ارتباطات بین‌الملل حوزه علمیه اصفهان و با هدف بالا بردن اطلاعات گردشگران و آشنایی بیشتر آن‌ها با اسلام و زدودن شبهات آن‌ها برنامه ریزی شده است.

مسئول دفتر تبلیغ و ارتباطات بین‌الملل معاونت تبلیغ حوزه علمیه اصفهان نیز گفت: طی فصل‌های بهار و تابستان حدود ۱۰ هزار گردشگر اروپایی در جلسات پرسش و پاسخ شرکت کرده‌اند و انتظار می‌رود که تا آخر سال این تعداد به بیش از ۲۰ هزار نفر برسد.

تا اربعین

توصیه‌های آیت‌الله مکارم و آیت‌الله علوی گرگانی به کمیته فرهنگی ستاد اربعین

از فرصت پیاده‌روی اربعین استفاده کامل ببریم

معارف: آیت‌الله مکارم شیرازی خواستار استقرار موکب‌هایی در مرزهای کشور به منظور خدمت‌رسانی به زوار اربعین شد و تأکید کرد که روا نیست زائران راهپیمایی اربعین در مرزها گرفتار مشکلات باشند.

این مرجع تقلید در دیدار دست اندرکاران کمیته فرهنگی ستاد اربعین، از عاشورا و اربعین به عنوان رمز بقای شیعه یاد کرد و گفت: دیگر مذاهب چنین سرمایه گرانسنگی در اختیار ندارند، دشمنان، معاندان و بدخواهان هر چه تلاش کنند نمی‌توانند جلوی عاشورا و اربعین را بگیرند.

وی با تأکید بر استفاده حداکثری و درست از این ظرفیت، توجه به جنبه‌های فرهنگی اربعین را مهم قلمداد کرد و گفت: باید فلسفه زیارت ائمه(ع) را برای مردم تبیین کرد؛ اربعین باید یک کلاس معرفت‌افزایی باشد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود بر لزوم احترام به قوانین و مقررات کشور دوست، برادر، همسایه و مسلمان عراق از سوی زوار اربعین تأکید کرد و گفت: باید نسبت به میزبانی و میهمان‌نوازی آن‌ها تشکر و قدردانی داشته باشیم، به قوانین‌شان احترام بگذاریم و با آن‌ها همکاری کنیم. استاد درس خارج حوزه علمیه قم همچنین بر لزوم پرهیز از اسراف در ایام اربعین و پذیرایی از زوار تأکید کرد.

آیت الله علوی گرگانی نیز در توصیه‌هایی به اعضای کمیته فرهنگی ستاد اربعین بر لزوم استفاده کامل از فرصت پیاده روی اربعین تأکید کرد.

وی با تأکید بر لزوم استفاده حداکثری از فرصت عالی اربعین اظهار کرد: خود جوش بودن حرکت مردم در اربعین بستر مناسبی را آماده کرده است که باید از آن بیشترین استفاده را برد، همان گونه که امام علی(ع) می‌فرماید: خداوند در هر زمانی نسیم‌های لذت بخشی را نصیب بنده‌ها می‌کند اما شما باید خود را در معرض آن‌ها قرار دهید.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با تأکید بر اینکه سخنرانان در ایام پیاده‌روی اربعین مسئله قیام امام حسین(ع) را مطرح کنند، گفت: هر گوینده‌ای می‌تواند از یک بعد قیام امام حسین(ع) صحبت کند، بنابراین باید تلاش کرد تمام ابعاد قیام امام حسین(ع) بیان شود که نتیجه این قیام نیز امروزه مشاهده می‌شود.

آیت‌الله علوی گرگانی بیان کرد: انسان از بیان کردن فلسفه قیام امام حسین(ع) درس‌های فراوانی می‌گیرد؛ به عنوان مثال تلاش می‌کند در زندگی در حق دیگران ظلم نکند و هر عمل ظالمانه دیگری نیز انجام ندهد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره۱۳۹۶۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۴۷۶ مورخ ۹۶/۱۱/۲۱هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کرم علی شهبازی قرزند رکاب علی به شماره شناسنامه ۲۶۸ صادره از طارم به شماره ملی ۳۹۹۶۱۱۸۹۹دمر شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت۲۵۶۱۷/۰۸ متر مربع پلاک ۷ فرعی مفروز و مجری شده از پلاک ۱۳ اصلی واقع در قریه سرخه میشه انتقال مع الواسطه از مالک رسمی رکاب شهباری محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند می‌توانند در شهر ها از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی در روستا ها به مدت دو ماه اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد۹۷۰۹۸۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول۹۷/۷/۲

تاریخ انتشار نوبت دوم۹۷/۷/۱۷

رئیس ثبت طارم سید رضا شفیعی

هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی در ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱ برابر رای صادره به شماره۱۳۹۷۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۷۵ مورخ ۹۷/۳/۱۵هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید حسن محمدی قرزند گل‌آقا به شماره شناسنامه ۴۴۹صادره از حوزه طارم به شماره ملی ۵۳۹۹۹۸۲۸۱۱ نسبت به شش دانگ یک باب عمارت به مساحت۱۴۳/۳۸ متر مربع پلاک ۲۰۳۹ فری مفروز و مجری شده از پلاک ۱۴۶ اصلی واقع در شهر آب بر خریداری و انتقال مع الواسطه از مالک رسمی نبی قدیری محرز گردیده است ۲ برابر رای صادره به شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۳۲۴مورخ ۹۶/۹/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عظیم سعیدیان قرزند بوسعلی به شماره شناسنامه ۳۵۴ صادره از طارم به شماره ملی ۳۹۹۹۴۵۸۶۱۶دسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۴۲۳۴/۱۳متر مربع پلاک ۱۲۹۶ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۴۶ فرعی از ۱۸۸ اصلی واقع در شهر قریه درام خریداری و انتقال مع الواسطه از مالکین رسمی میرزا محمد عماری و ایوب باقری و درویش محمدی و ریحانعلی بهرامی محرز گردیده است

۳ برابرای صادره به شماره۱۳۹۶۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۳۲۷ مورخ ۹۶/۹/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم رقیه گل محمدی قرزند جمشید به شماره شناسنامه ۵۴ صادره از حوزه زنجان به شماره ملی۶۱۴۹۹۷۱۰۵۸ نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب عمارت به مساحت ۳۰۱/۲۱ متر مربع پلاک ۲۰۱۴ فرعی مفروز و مجزی شده است از پلاک ۱۴۶ اصلی واقع در شهر آبرخریداری و انتقال مع الواسطه از مالک رسمی خیرجمشیدی محرز گردیده است

۴ برابر رای صادره به شماره۱۳۹۶۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۳۲۶ مورخ ۹۶/۹/۱۲ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد سروری فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۳۱ صادره از حوزه طارم به شماره ملی ۳۹۹۹۱۱۲۰۵دسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب عمارت به مساحت۳۰۱/۲۱ متر مربع پلاک ۲۰۱۴ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۴۶ اصلی واقع در شهر آبیر خریداری و انتقال مع الواسطه از مالک رسمی خیر جمشیدی محرز گردیده است

۵ برابر رای صادره به شماره۱۳۹۷۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۱۴۶ مورخ۹۷/۳/۸ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نقی نقی زاده فرزند عزیز شماره شناسنامه ۱۳۶۹صادره از حوزه طارم به شماره ملی۵۳۹۹۵۵۱۵۲۷ نسبت به ششدانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۷۸/۹۸متر مربع پلاک ۲۰۴۷ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۴۶ اصلی واقع در شهر آبیر خریداری و انتقال مع الواسطه از مالک رسمی خیر جمشیدی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند در شهر ها از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی در روستا به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد۹۷۰۹۸۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول۹۷/۷/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم۹۷/۷/۱۷

رئیس ثبت طارم سید رضا شفیعی

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم طاهره بیلتن قره قشلاق دارای شناسنامه شماره ۲۸۵۰۴۵۳۰۸۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۷۱۳ / ۵۷ ش از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مراد عقربی قره قشلاق به شناسنامه شماره ۱۴۴۲ در تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ، ورثه آن مرحوم منحصر است به : ۱ - علی عقربی قره قشلاق فرزند مراد به شناسنامه شماره ۲۷۵۴۴۳۶۶۸۵ (پسر متوفی) ۲ - سلیمان عقربی قره قشلاق فرزند مراد به شناسنامه شماره ۲۷۵۵۶۰۰۴۱۱ (پسر متوفی) ۳ - طاهره بیلتن قره قشلاق قرزند اژدر به شناسنامه شماره ۲۸۵۰۴۵۳۰۸۰ (همسر متوفی) اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور به استناد ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی را در یک نوبت و یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشرآگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد . ۹۷۱۰۸۷۲

عیدی- رئیس شعبه ۵۷ شورای حل اختلاف شهرستان ارومیه

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای فردین فلاحی قراگوز دارای شناسنامه شماره ۲۳۲۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۰۷۳۹ /۹۷ /۶۷ ش از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان بهروز فلاحی قراگوز به شناسنامه شماره ۱۹۲۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ، ورثه آن مرحوم منحصر است به :

۱ - فردین فلاحی قراگوز فرزند عباس (برادر متوفی) ۲ - پرویز فلاحی قراگوز قرزند عباس (برادر متوفی) ۳ - آیناز فلاحی قراگوز فرزند بهروز (دختر متوفی) ۴ - نگین فلاحی قراگوز فرزند بهروز (دختر متوفی) ۵ - لیلا فلاحی قراگوز فرزند عباس (خواهر متوفی) ۶ - ژیلا فلاحی قراگوز فرزند عباس (خواهر متوفی) ۷ - حمیرا صبحی فرزند رحمت اله (همسر متوفی) اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور به استناد ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی را در یک نوبت و یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشرآگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد . ۹۷۱۰۸۷۳

تاج الدین شاهمرادی - رئیس شعبه ۶۷ شورای حل اختلاف شهرستان ارومیه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بوکان

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۳۰۱۰۰۰۰۷۴۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم ملاحسن تیکان تپه فرزند عبدالقادر به شماره شناسنامه ۵۸۰۷ صادره از بوکان در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۸۰/۶۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک باقیمانده ۱۳۳۷ فرعی از ۱۳۰ - اصلی واقع در بخش ۱۷ شهرستان بوکان خریداری شده از آقای حسین عبداله زاده احدی از ورات مرحوم ابراهیم عبداله زاده ابتیاعی از آقای ابوبکر مهتدی مالک رسمی پلاک مذکور (با تأیید و تنفید آقای جعفر مهتدی احدی از ورات مرحوم ابوبکر مهتدی) محرز گردیده است که برای آن پلاک ۱۴۰۰۴ فرعی از ۱۳۰ اصلی تعیین و اختصاص یافته است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .۹۷۱۰۸۷۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۰۷/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

محمود خضرزاده – رئیس ثبت اسناد و املاک بوکان

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای ولی عابد بهلولی دارای شناسنامه شماره ۱ کد ملی ۰۷۴۹۵۶۲۲۷۷ شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۲۸۹/ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان دلخوا عابد بهلولی به شماره شناسنامه ۲۰۶ در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱- زلیخا عابد بهلولی به شماره ملی ۰۷۴۸۴۷۴۹۲۷ متولد ۱۳۵۶/۵/۲۰ فرزند متوفی

۲- علی عابد بهلولی به شماره ملی ۰۷۴۸۴۷۴۹۳۵ متولد ۱۳۶۰/۶/۳۰ فرزند متوفی

۳- زهرا عابد بهلولی به شماره ملی ۰۷۴۹۸۲۴۹۴۸ متولد ۱۳۶۵/۶/۳۰ فرزند متوفی

۴- آمنه عابد بهلولی به شماره ملی ۰۷۴۰۵۵۷۳۱۱ متولد ۱۳۷۰/۱۰/۱۰ فرزند متوفی

۵- امیر عابد بهلولی به شماره ملی ۰۷۴۰۵۵۷۲۲۱ متولد ۱۳۸۱/۳/۲ فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. ۹۷۱۰۸۶۹

تاریخ انتشار : ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

قنبر مرزانی -خاضی شورا شعبه ۱ شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان جنوبی

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قاین

"آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمان های فاقد سندرسمی"

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰۲۰۵ - ۲۶ / ۰۶ / ۱۳۹۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی قاین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای هادی مسلمان زاده فرزند محمد بشماره شناسنامه ۰۸۸۰۱۵۰۶۶۱ صادره از قاین بشماره ملی ۰۸۸۰۱۵۰۶۶۱در ششدانگ یکباب منزل قدیمی بمساحت ۱۱۸/۰۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۶۲۰- اصلی بخش ۱۱قاین که بصورت باقیم

قدس ورزشی
سه شنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۷
۲۹ محرم ۱۴۴۰ | ۹ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۰۱
۱۲

دیدار قدوس با نیمار و امباپه در پاریس

ورزش: تیم امیان با ستاره ایرانی تاش روز شنبه در یک بازی جذاب و حساس باید به مصاف تیم کهکشانی پاری سن ژرمن برود. نکته جالب برای هواداران ایرانی جدال و رودررویی ستاره ایرانی امیان، سامان قدوس با ستاره های بزرگ فوتبال جهان است. نیمار، دی ماریا، ادینسون کاوانی و کیلیان امباپه در تیم پاری سن ژرمن بازی می کنند و این باعث خواهد شد که نمایش ستاره ایرانی برابر این ستاره های بزرگ فوتبال جهان برای ماخطبال ایرانی که این روزها هوادار امیان هستند جذابیت های بسیار زیادی داشته باشد.

رونالدو و رسوایی دوا

ورزش: لسلی استوال وکیل کاترین مایورگان آمریکایی که اخیرا ادعا کرده بود کریستیانو رونالدو ستاره پرتغالی یوونتوس در سال ۲۰۰۹ تعرض اخلاقی داشته است در اظهاراتی جدید مدعی شد که رونالدو بکبار دیگر هم چنین کاری کرده است. استوال در مصاحبه با دیلی میل گفت یکزن بامن تماس گرفت و گفت که تجربه مشابهی با مایورگان داشته است. مایورگان هفته پیش مدعی شده بود که کریستیانو رونالدو در سال ۲۰۰۹ تعرض اخلاقی داشته است. رونالدو با تکذیب ادعای مایورگان گفته که اخباری که در این مورد منتشر شده جعلی هستند و کلاغی رونالدو نیز از شریه المانی اشپیگل که برای نخستین بار ماجرای آنهام تعرض اخلاقی را مطرح کرده به دلیل نشر اکاذیب شکایت کرده اند.

امباپه: توپ طلا؟ چرا که نه!

ورزش: کیلیان امباپه، ستاره پاری سن ژرمن امیدواری کرد که روزی توپ طلا را به دست آورد. امباپه ۱۹ ساله، شنبه شب به همراه پاری سن ژرمن به مصاف لیون رفت و در برتری ۵-۳ تیمش، ۴ گل در عرض ۱۳ دقیقه به ثمر رساند. برنده عنوان بهترین بازیکن جوان جام جهانی که به همراه کشورش، قهرمان فرانسه شد، حالا به اهداف بزرگی مثل توپ طلا فکر می کند. او می گوید: «توپ طلا؟ چرا که نه؟ هیچ چیزی را برای خودم ممنوع نمی بینم. به پیشرفت کردن و بازی کردن ادامه خواهم داد. اگر توپ طلا را بردم، خیلی خوب می شود ولی اگر هم این اتفاق نیفتاد، مشکلی ندارد.»

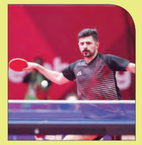

شکست نیما عالمیان و تیمش در لیگ برتر فرانسه

ورزش: نیما عالمیان به همراه تیمش در هفته دوم لیگ برتر تنیس روی میز فرانسه شکست خورد.

در هفته دوم لیگ برتر تنیس روی میز فرانسه، نیما عالمیان لژیون ایران به همراه تیم ویلنوا برابر تیم آنجرس قرار گرفت که در پایان ۳ بازی را واگذار کرد. نیما عالمیان در این دیدار دو بازی انجام داد که هر دو را واگذار کرد. تیمش هم با نتیجه ۳ بر ۱ برابر تیم آنجرس شکست خورد.

خداحافظی بازنشسته ها از چرخه مدیریت ورزش

«تاج» از سر فوتبال برداشته می شود

سینا حسینی: ملاقات مهدی تاج با رئیس فدراسیون جهانی فوتبال از نگاه منتقدان مدیریت فدراسیون فوتبال تنها یک معنی و مفهوم داشت که آقای رئیس با وجود اصرار دولت برای اجرای پایان خدمت بازنشستگان در حوزه مدیریت کشور، در تلاش است بتواند با کمک گرفتن از حمایت های فرا منطقه ای در فدراسیون فوتبال باقی بماند.

اما مدیران وزارت با استناد به ابلاغیه رییس جمهور قصد دارند به استفاده کننا تا عمر مدیریتی آقای رئیس با اجرای این قانون همگانی فرا برسد اما از آنجا که قرار است این قانون به صورت فراگیر به اجرا در بیاید ، بدون تردید این بار فرمول استفاده از چماق تعلیق کارایی لازم را ندارد!

منابع خبری با انتشار تصویر رئیس کمیته ملی المپیک و شیخ احمد رئیس شورای المپیک آسیا مدعی شدند صالحی امیری از طریق وی به اطلاع مدیران کنفدراسیون فوتبال آسیا و رئیس جهانی فدراسیون فوتبال رسانده اند که باید این قانون در کشور ایران شکل گیرد که در مقابل شیخ احمد به صالحی امیری اطمینان داده که هیچ مشکلی از این بابت برای ورزش ایران به وجود نخواهد آمد.

اما با این حال وزارت ورزش و جوانان چنانچه با مقاومت ادامه دار مهدی تاج و احمد ضیایی روبه رو شود، با کمک گرفتن از اعضای مجمع، اقدام به برگزاری مجمع فوق العاده خواهند کرد تا این مسئله به صورت قانونی از سوی مجمع تصویب شود و رویای بازنشسته بدون دردسر از کار برکنار شوند.

یک مقام آگاه در وزارت ورزش و جوانان به خبرنگار قدس گفت: به هر دو رئیس فدراسیون اطلاع رسانی لازم شده که دیگر نمی توانند به عنوان رئیس فعالیتی داشته باشند و حتی المقدور باید تا پایان مهلت تعیین شده از مسئولیت خود کناره گیری کنند، هم مهدی تاج و هم ضیایی این مسئله را پذیرفته اند و در پاسخ وزیر اعلام کردند از کار کنار خواهند رفت .

روح ا... باقری مهاجم آبی پوشان در گفت و گو با قدس:

اولویتم آقای گلی نیست، اما می توانم به آن برسم

مسعود حکم آبادی: مرد شماره ۱۰ استقلال تهران، این روزها کسی نیست جز «روح الله باقری» که فصل گذشته از لیگ یک درخشید و راهی اردوی آبی پوشان شد. او گرچه یک بار در جام حذفی و یک بار در لیگ قهرمانان آسیا گل زده از کار شاگردان شفر باز گرده، اما هنوز در لیگ برتر موفق به گلزنی برای استقلال نشده است. با او درباره شرایط خودش و تیمش به گفت وگو نشستیم.

●بازهم نتوانستی در لیگ برتر برای استقلال گل بزنی. مهم این است که بازی را بردیم، من در جام باشگاه ها و جام حذفی برای استقلال گلزنی کردم. به زودی در لیگ برتر هم برای این تیم گل می‌زنم.

●به نظرت مشکل نتیجه نگرفتن امسال استقلال چیست؟

خب نیمی از نفرات از تیم جدا شده اند و بازیکنان تا به هماهنگی رسیدند مدتی زمان برد. الان هم به نظرم تیم یکدست شده و به سمت موفقیت حرکت می کند.

●دلیل گل نزدن خودت چیست؟

پست تخصصی من مهاجم هدف است، در بازی های که سال گذشته برای تیمم گل زدم در این پست به میدان رفتم.

●یعنی باید به پست اصلی‌ات برگردی؟

این را آقای شفر تصمیم می گیرد، من هر کجا کادر فنی صلاح بداند بازی می کنم، اما به خودشان هم گفتم من در مهاجم نوک مثم‌ترم‌تر هستم.

●خیلی ها معتقدند با وجود تو، خرید «الحاجی گرو» اشتباه بوده.

من درباره هیچ بازیکنی صحبت نمی کنم. در استقلال همه بازیکنان چه خارجی و چه ایرانی برای این تیم زحمت می کشند و نتیجه‌اش را هم می بینند.

●با گلی که در جام حذفی زدی، دوباره به ترکیب اصلی برگشتی.

هدف همه ما موفقیت استقلال است. اگر روزی ببینم با نیمکت‌نشینی من استقلال موفق می شود، حتما این کار را می کنم. الان هم امیدوارم تلاش کنیم وبالاتشین شویم.

●فکر نمی کنی برای رسیدن به کورس قهرمانی دیر شده است؟

نه برای هیچ چیز دیر نیست. هنوز هفته هشتم هستیم و اگر بخواهیم ناامید باشیم که سقوط می کنیم.

●برای آقای گل شدن خودت چی؟

این مسئله اولویت اهداف من نیست، اما می توانم به آن برسم. من سال گذشته در نیم‌فصل اول ۴ یا ۵ گل زده اما در نیم‌فصل دوم جبران کردم و عدد آن را به ۱۵ رساندم.

●پنالتی‌زن تیم هم تو هستی؟

حالا اگر پنالتی شد کادر فنی تصمیم می گیرد چه کسی بزند. اما در بازی جام حذفی من آمدم به سه زمین که پنالتی‌ها کمک کنم که خدا را شکر کار به آن جا نرسید.

●با تمام این‌ها قبول داری توقع هواداران از تو خب هوادار از بازیکن و مخصوصا مهاجم فقط گل می خواهد، منتهی ما در اینجا ندنبال یک کار تیمی هستیم. شما ببینید در بازی این هفته همه بچه‌ها تلاش کردند و ۲ بازیکن جوان گل زدند.

●با ناکامی در آسیا، توقع هواداران برای موفقیت در ایران بیشتر شده.

صعود نکردن به نیمه‌نهایی که بدشانسی محض استقلال بود. خیلی بد اورد یم و در حالی که می‌توانستیم یک دربی ایرانی اسیایی برگزار کنیم، قسمت نشد. اما قطعا در ایران برای هر ۲جام تلاش می کنیم.

●خودت به فکر دعوت به تیم ملی هستی؟

این آرزوی من است، کدام بازیکن در ایران بازی می کند و دوست ندارد پیراهن تیم ملی کشورش را بپوشد؟ من هم برای رسیدن به پیراهن تیم ملی تلاش می کنم.

پس از شش سال و با مشخص شدن دوپینگ رتبه های یک تا چهار محمدپور رسماً پنجمین طلایی ایران در لندن شد

طلای المپیک بر گردن قهرمان واقعی

ورزش: وزنه بردار ایرانی بعد از ۶ سال می تواند مدال طلای خود را در المپیک لندن دریافت کند.

سعید محمدپور، وزنه بردار جوانی بود که در المپیک ۲۰۱۲ لندن به مقام پنجم دسته ۹۴ کیلوگرم رسید و دستش از کسب مدال کوتاه ماند.

این وزنه بردار اردبیلی بعد از ۴ سال متوجه شد که ۴ وزنه بردار بالاتر از او مرتکب دوپینگ شده اند و در واقع او قهرمان واقعی این دسته در المپیک لندن بوده است.

این موضوع توسط فدراسیون جهانی وزنه برداری و کمیته بین‌المللی المپیک هم تایید شد و نفرات اول تا چهارم دسته ۹۴ کیلوگرم المپیک لندن جایگاه خود را از دست دادند.

در یکی، ۲ سال اخیر پیگیری های لازم از سوی فدراسیون کمیته ملی المپیک انجام شد تا مدال طلای این دسته به دست سعید محمدپور برسد. حالا بعد از ۶ سال پیگیری و البته گذشت ۶ سال از المپیک لندن خبر رسیده که IOC رسما قهرمانی این وزنه بردار ایرانی در المپیک لندن را اعلام کرده است.

۳ راه پیش روی ایران قرار داده شده تا مدال طلای سعید محمدپور به او اهدا شود. اول این که مدال را به ایران بفرستند و مسئولان ورزشی همین جا در مراسمی مدال طلای المپیک را به این وزنه بردار اهدا کنند. دوم اینکه در کمیته بین المللی المپیک مراسمی برگزار کنند و مدال را به محمدپور بدهند. سومین راه هم این است که در یک مسابقه بین المللی این مدال به محمدپور اهدا شود.

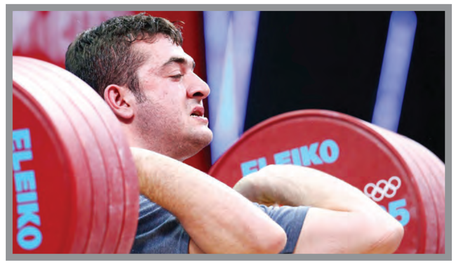

آنطور که خود سعید محمدپور اعلام کرده، فدراسیون ایران محمدپور به آلمان رفت تا مدال طلای المپیک خود را هم دریافت کند.

سعید محمدپور، وزنه بردار جوانی بود که در المپیک ۲۰۱۲ لندن به مقام پنجم دسته ۹۴ کیلوگرم رسید و دستش از کسب مدال کوتاه ماند.

این وزنه بردار اردبیلی بعد از ۴ سال متوجه شد که ۴ وزنه بردار بالاتر از او مرتکب دوپینگ شده اند و در واقع او قهرمان واقعی

قدس ورزشی
بازی های پاراآسیایی جاکارتا
سه شنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۷
۲۹ محرم ۱۴۴۰ | ۹ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۰۱
۱۲

خبر

قهرمانی ساره جوانمردی در ماده ۵۰ متر تیر طلایی پرچمدار ایران به هدف خورد

ورزش: پرچمدار کاروان ایران در بازی های پاراآسیایی توانست در تیراندازی طلایی شود. در فینال تیراندازی ماده ۵۰ متر میکس بازی های پاراآسیایی ساره جوانمردی و سمیرا ارم روی خط آتش ایستادند تا با نمایندگانی از ژاپن، کره جنوبی، چین، هند و ازبکستان به رقابت بپردازند. در این رقابت نفس گیر که وزیر ورزش و جوانان نیز با حضور در مجموعه تیراندازی ساتایان نظاره گر آن بود، جوانمردی توانست با عبور از همه رقبای خود به قهرمانی برسد. دو ورزشکار از هند، صاحب گردن آویز نقره و برنز شدند و سمیرا ارم از ایران در جایگاه ششم این رقابت ایستاد.

جوانمردی در افتتاحیه این بازی ها به عنوان پرچمدار کاروان ایران حضور داشت. ۲ مدال طلای پاراالمپیک را در کارنامه دارد و به گفته خودش در یک ماده دیگر نیز در این رقابت ها می تواند طلایی شود.

چهارمین مدال طلا برای کاروان ایران

ورزش: عضو تیم ملی تیراندازی ایران در ماده تفنگ بادی به مدال طلای سومین دوره بازیهای پاراآسیایی دست پیدا کرد. این چهارمین مدال طلای کاروان کشورمان بود. مسابقات تیراندازی سومین دوره بازیهای پاراآسیایی در ماده تفنگ بادی پیگیری شد که طی آن رقیب شجاعی به عنوان قهرمانی دست پیدا کرد. رقیبه شجاعی تنها نماینده بانوان ایران در ماده تفنگ بادی کلاس R2 با ثبت ۱۲۴۷ امتیاز عنوان قهرمانی را کسب کرد. نماینده چین با ۱/۲۴۴ امتیاز دوم شد و دیگر نماینده چین با ۹/۲۲۴ امتیاز در جایگاه سوم قرار گرفت. این مدال درحالی به دست آمد که شجاعی نخستین تجربه خود را در بازی های پاراآسیایی کسب می کرد. رقابت های تیراندازی فردا در مواد تپانچه بادی برگزار خواهد شد.

مدال آوری پر تاپگران دیسک

ورزش: نماینده گان کشورمان مدال های طلا، نقره و برنز ماده پرتاب دیسک بازی های پاراآسیایی جاکارتا را از آن خود کردند.

در ادامه رقابت های دو و میدانی بازیهای پاراآسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا ۴ نماینده کشورمان در ماده پرتاب دیسک کلاس ارغامی F54/55/56 به رقابت با حریفان برداختند که در نهایت مدال های طلا، نقره و برنز را از خود کردند. علیرضا قلعه نامری با ۲۲،۳۲ متر گرفت. جلیل بافری با ۲۱،۳۷ به مدال نقره دست یافت و حامد امیری با ۱۲،۳۰ صاحب مدال برنز شد.

هادی رضایی: مقابل تیم های آسیایی به بازیکنانم سخت نمی گیرم

مهر: سرمربی تیم ملی والیبال نشسته پس از پیروزی تیمش برابر ژاپن گفت: در رقابت با تیم‌های آسیایی به بازیکنانمان سخت نمی گیرد. هادی رضایی گفت: بازی مقابل ژاپن بسیار خوب بود و سعی کردیم در این دیدار هم سیاست جوانگرایی را در بازی حفظ کنیم تا جوانان تیم آماده رقابت های مهم آینده شوند. وی گفت: در مقابل تیم های آسیایی به بازیکنانم سخت نمی گیرم، چرا که می خواهیم به این تیم ها احترام بگذاریم و سعی در افزایش اختلاف امتیاز نداریم تا روحیه تیم‌های مقابل حفظ شود.

وی گفت: تیم ایران نیز در بازی روی دریافت خود کار کرد بود و اشکیره خوب مقابل ژاپن را با پیروزی پشت سر بگذارد. داوری ها بسیار ضعیف است و ما سعی کردیم در دیدارهای اخیرمان توقع جدیانی از داوران نداشته باشیم.

ایزدپارا دومین مدال طلای خود را از آب گرفت

ورزش: صاحب نخستین طلای کاروان ایران در بازی های پاراآسیایی ۲۰۱۸ اندونزی با دیگر مدوال یه کسب مدال شد.

شاهین ایزدپار در رشته شنا ماده ۱۰۰ متر آزاد کلاس S ۱۰ با شاگرانی از ژاپن، کره جنوبی، هند و ازبکستان به رقابت پرداخت که در نهایت با ثبت زمان ۵۷ ثانیه و ۱۵ صدم ثانیه به مدال طلا رسید. این دومین مدال طلای شاهین در این رقابت ها و ششمین طلای کاروان ایران بود.

جدول توزیع مدال ها در روز سوم

۱	چین	۳۴	۱۵	۱۷	۶۶
۲	کره‌جنوبی	۱۴	۸	۵	۲۷
۳	ازبکستان	۱۲	۵	۳	۲۰
۴	ژاپن	۱۹	۱۸	۱۹	۳۶
۵	ایران	۹	۴	۴	۱۷
۶	اندونزی	۹	۷	۴	۲۰

جدول توزیع مدال ها تا لحظه چاپ روزنامه

ضد حمله

پرداخت حقوق برانکو با ارز ثانویه

ورزش: از آنجایی که درآمدهای باشگاه پرسپولیس به صورت ریالی بوده اما برای پرداخت بدهی های مربیان و بازیکنان خارجی‌اش باید از ارز استفاده کند این موضوع بار مالی سنگینی را به پرسپولیس وارد کرده است. این در حالی است که بالا رفتن نرخ ارز در ماههای اخیر باعث شده تا پرسپولیسی ها نتوانند حدود ۵ ماه به تعهدات خود به مربیان و بازیکنان خارجی‌شان عمل کنند. تلاش ها و نامه‌نگاری های برای حل این مشکل انجام شد. در این نامه‌نگاری‌ها که با وزارت ورزش و جوانان هم انجام شد، مسئولان مربوطه در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که حقوق معوقه برانکو را میپردازند. در بررسی ها خدمات برانکو به فوتبال ایران و تلاش برای اعتلای نام ایران در رقابت‌های بین‌المللی مثبت و مفید ارزیابی شده و قرار است با از تکلیه مطالبات برانکو و دستیارانش پرداخته شود. قرار است تا قبل از بازی برگشت مقابل السد قطر، با ارز ثانویه ۷۰۰۰ تومانی و با همکاری وزارت ورزش و جوانان موافقت ۵ ماهه مربیان خارجی پرسپولیس پرداخت شود.

رأی کمیته تعیین وضعیت به نفع ترابی

ورزش: کمیته وضعیت فدراسیون فوتبال رأی خود را درباره شکایت مهدی ترابی از باشگاه تراکتورسازی تبریز اعلام کرد. به نقل از سایت فدراسیون فوتبال، در پی شکایت مهدی ترابی از باشگاه تراکتورسازی تبریز، کمیته وضعیت فدراسیون پس از رسیدگی به این پرونده اعلام کرد قرارداد منعقده و درخواست باشگاه تراکتورسازی تبریز منطبق با مقررات تشخیص داده نشده و رد می‌شود. لازم به توضیح است این رأی غیرقطعی است.

دردسر برای شایان مصلح

مدافع پرسپولیس در اختیار مراجع ذیصلاح

ورزش: شایان مصلح بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس که چندی پیش به دلیل برخی اظهارات در یک از مراسم مذهبی دچار حاشیه‌هایی شده بود در روزهای اخیر در اختیار نهادهای ذی ربط قرار گرفت. البته این موضوع باعث شد تا مصلح در تمرینات تیمش غایب باشد و مسئولان باشگاه پرسپولیس هم در روزهای اخیر تلاش کردند تا مشکل این بازیکن هر چه زودتر حل شود طبق اظهارات مسئولان پرسپولیس، قرار است مصلح طی امروز یا نهایتا فردا مجددا در تمرینات تیمش حاضر شود و هم‌اوا با سایر بازیکنان زیر نظر برانکو کار کند.

پورموسوی استقلال خوزستان را محکوم کرد

ورزش: کمیته وضعیت فدراسیون فوتبال رأی خود را درباره شکایت اکبر پورموسوی از باشگاه استقلال خوزستان اعلام کرد. به نقل از فدراسیون فوتبال، در پی شکایت اکبر پورموسوی از باشگاه استقلال خوزستان، کمیته وضعیت فدراسیون، باشگاه مزبور را به پرداخت مبلغ ۶۸۰ میلیون تومان بابت قرارداد در حق اکبر پورموسوی اعلام کرد این رأی غیرقطعی است.

شروع خوب تیم‌ملی فوتسال در المپیک جوانان ارژانتین

ورزش: شاگردان صانعی موفق شدند در اولین دیدار خود در مسابقات المپیک جوانان برابر حریف افیانوسیه‌ای خود به پیروزی برسند. تیم ملی فوتسال ایران که در مسابقات المپیک جوانان ارژانتین حضور یافته است، موفق شد در اولین دیدار خود بامداد دیروز برابر تیم فوتسال المپیک جزایر سلیمان با نتیجه ۴ بر ۲ به پیروزی برسد. تیم ملی ایران در این مسابقات با تیم‌های جزایر سلیمان، برزیل، روسیه و کاتارکیا هم‌گروه است. دومین دیدار ایران، پنجشنبه ساعت ۳۰ دقیقه بامداد برابر برزیل برگزار می‌شود.

پرونده مسلمان در کمیته اخلاق مختومه شد

ورزش: محسن مسلمان در روزهای گذشته در کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال حاضر شد. ظاهرا این حضور به نقل از سایت فدراسیون فوتبال، به دلیل پرونده‌ای که سعید آذری مدیرعامل باشگاه ذوب‌آهن به راه انداخته بود، پیگیری شده و احتمال دارد که این بازیکن از رسانه‌ای که عکسی از او منتشر کرده و مطالبی علیه این بازیکن نوشته به مراجع قضایی شکایت کند.

۸ میلیارد هزینه آماده‌سازی آزادی برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان

ورزش: شاگردان صانعی موفق شدند در اولین دیدار خود در مسابقات المپیک جوانان برابر حریف افیانوسیه‌ای خود به پیروزی برسند. تیم ملی فوتسال ایران که در مسابقات المپیک جوانان ارژانتین حضور یافته است، موفق شد در اولین دیدار خود بامداد دیروز برابر تیم فوتسال المپیک جزایر سلیمان با نتیجه ۴ بر ۲ به پیروزی برسد. تیم ملی ایران در این مسابقات با تیم‌های جزایر سلیمان، برزیل، روسیه و کاتارکیا هم‌گروه است. دومین دیدار ایران، پنجشنبه ساعت ۳۰ دقیقه بامداد برابر برزیل برگزار می‌شود.

به بهانه خداحافظی جان تری از دنیای فوتبال

بهترین مدافع تاریخ لیگ برتر

امیرمحمد سلطانپور: جیمی رودنی به بهانه خداحافظی جان تری از دنیای فوتبال به تمجید از او و دوران ورزشی فوق العاده‌اش پرداخت و حتی برای او بهترین مدافعی که لیگ برتر به چشم خود دیده لقب داد.

تری که در تاتنهام، استون ویلا و ارتک کرد، به ۳۷ سال حضور در سطح اول فوتبال پایان داد که شامل افتخاراتی مانند قهرمانی لیگ برتر، ۴ جام حذفی، ۳ جام اتحادیه و جام قهرمانی لیگ اروپا و لیگ قهرمانان اروپا می شود. او همچنین کاپیتان تیم محبوبی‌ترین رسیدند که حقوق معوقه برانکو را میپردازند. در بررسی ها خدمات برانکو به فوتبال ایران و تلاش برای اعتلای نام ایران در رقابت‌های بین‌المللی مثبت و مفید ارزیابی شده و قرار است با از تکلیه مطالبات برانکو و دستیارانش پرداخته شود. قرار است تا قبل از بازی برگشت مقابل السد قطر، با ارز ثانویه ۷۰۰۰ تومانی و با همکاری وزارت ورزش و جوانان موافقت ۵ ماهه مربیان خارجی پرسپولیس پرداخت شود.

هر قیمتی مدیران بازنشسته را از چرخه مدیریت ورزش کشور خارج کنند تا جوان تر ها جای آنها پر کنند، به همین دلیل صبح دوشنبه وزیر به صورت کاملا شفاف اعلام کرد که بازنشسته‌های ورزش ایران همه باید خداحافظی کنند.

سلطانی فر که در جریان فعالیت ها و مقاومت ادامه دار مهدی تاج و احمد ضیایی رو به رو شود، با کمک گرفتن از اعضای مجمع، اقدام به برگزاری مجمع فوق العاده خواهند کرد تا این مسئله به صورت قانونی از سوی مجمع تصویب شود و رویای بازنشسته بدون دردسر از کار برکنار شوند.

اظهارنظر جنجالی سلطانی فر در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بازتاب فراوانی داشت اما برخی نزدیکان فدراسیون فوتبال با پیش کشیدن یک بازی قدیمی ادعا کردند این اتفاق تعلیق فوتبال و والیبال ایران را به دنبال خواهد داشت!

طیف نزدیک به فدراسیون فوتبال این بار هم در تلاش است از تعلیق فدراسیون توسط فدراسیون جهانی به عنوان یک چماق

تصمیم جنجالی در دوحه

«بغداد» از بازی در تهران محروم می‌شود؟

ورزش سه: در حاشیه بازی کشتی امسال السد و السیلیه در رقابت های لیگ ستارگان قطر اتفاق عجیبی رخ داد که تعجب زحمات محلی را در پی داشت و بازتاب زیادی در رسانه‌های منطقه داشت. بغداد بونجاح ستاره تیم فوتبال السد که از کان موفقیت های این تیم است و در لیگ قهرمانان آسیا در صدر جدول گلزنان قرار گرفته در پایان بازی درعزاض به شرایط مسابقه و تصمیمات داوری پیراهن السد را از تن خارج کرده و به زمین کوبید و با شوت کردن بطری‌های آب عصبانیت شدید خود را از اتفاقات رخ داده در مسابقه ابراز کرد.

رسانه های قطری خبر دادند این ایسن حرکت مهاجم الجزایری السد مورد خشم مدیران تیم قرار گرفته و آن ها تصمیم دارند برخورد سختی با این مهاجم کنند. حتی امکان محرومیت هم برای بغداد وجود دارد. مدیران قطری به خاطر تمکن مالی و اقوریته ای که مهیاشده داشته اند ثابت کرده‌اند که از کنار این گونه مسائل به هیچ عنوان ساده عبور نمی کنند و باید بسینیم این جشن پوشیدن پیراهن السد تا وجود او در بازی سرنوشت ساز مقابل پرسپولیس بهرمند شود.

رضوانی:

سربازی و ویزا مشکل اعزام لژیونرهای واترپلواست

ایسنا: رئیس فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلوی ایران مشکلات اصلی برای اعزام لژیونرهای واترپلو را حمید ویزا و حمید نظام دوستیه اعلام کرد.

محسن رضوانی گفت: در مورد ارشیا الماسی اصلی ترین مشکلی که برای اعزامش وجود دارد، مسئله ویزا است که باید سفارت صربستان آن را صادر کند تا الماسی را به این کشور اعزام کنیم. او باید همراه تیمش برای برگزاری مسابقه به چند کشور دیگر برود که به همین دلیل باید ویزا داشته باشد، به محض برطرف شدن این مشکل اعزام او صورت می گیرد.

وی گفت: مشکل اصلی در مورد این دو ورزشکار مهم ملی است که باید کمک کنیم تا دوی پوش هم مانند فوتبالیست ها باید در ۳۵ روز یکبار به دلیل سربار بودن به ایران بیایند که همین قانون باعث بروز مشکل شده است. باید جشنمو بحث سربازی تا ارجوده او در بازی سرنوشت ساز مقابل پرسپولیس بهرمند شوند.

بررسی عیار لیگ یک فوتبال از فشنگچی و ابراهیمی تا حاتمی و مجیدی

ستاره های نقره ای

ورزش: شش هفته از لیگ یک گذشته و تیم‌های تحت هدایت محمد ربیعی و فراز کمالوند در صدرجدول قرار دارند البته مهدی باشنازاده این فرصت را دارد که به برد در بازی عقب افتاده جای آنها را در صدر بگیرد. شاخص که در اختیار شاگردان ابراهیمی طالبی در فاصله‌ای شیراز هم وجود دارد. تیم‌های بالای جدول لیگ یک تا حالا فاصله خیلی کمی با بقیه تیم‌ها پیدا کردند. فاصله‌ای که نقش بزرگ ستاره‌ها را نمی‌شود در آن نادیده گرفت. کمالوند در این فصل برای اکسین خبرهای بد و سرمایی داشت. از نوشی صوفیانی و مرتضی آسا تا محمد ابراهیمی و فراد حاتمی که همه آن‌ها سابقه همکاری با کمالوند را نیز داشتند. سید بادران هم در بازار پیش‌فصل با ستاره‌هایی چون مجتبی روشنگر، سهیل رحمانی، یوسف کردبچه، کریم الامانی، مسعود حق‌جو، میثم مجیدی و مجید یزدانی به شرکت است. دیگر تیمی که این فصل در لیگ یک برپز و پیاش داشت، تیم تحت هدایت فرهاد کاظمی بود. پرسپولیس

پاکدشت در این فصل با امیرحسین فشنگچی، مصطفی ماهی، هادی شکوری، مهرداد جماعتی، محمد رحیمی، پیام ملکیان و محمد اوسانی وارد مسابقات شده است. بازیکنان مطرحی که به لیگ یک جذابیت ویژه‌ای دادند. بجز این ستاره‌ها، در لیگ یک بازیکنان مطرح دیگری هم هستند. مثلا در خط دروازه مجتبی روشنگر و آرمان شهنداز اهم علاوه بر نوشی صوفیانی حضور دارند. با مدافعانی چون مصطفی ماهی (پرسپولیس پاکدشت)، مهرداد قنبری (مس کرمان)، فرید محمدی‌زاده (اکسین)، مجید ابویی (اکسین)، ابراهیم کوهی (رودنو خرمشهر)، مسعود حق‌جو (بادران)، مرتضی غلامعلی‌نیا (شهرداری بوشهر) که این فصل در تیمی از لیگ یک بازی می کنند. ستاره‌های مطرح خط هافبک هم میان بازیکنان (بادران)، محمد رحمتی (پرسپولیس پاکدشت)، عباس بوعذار (فجرسپاسی)، پیام ملکیان (پرسپولیس پاکدشت) هستند.

با موافقت مسئولان وزارت ورزش و جوانان

مشکل ارز ثانویه به فدراسیون کشتی پرداخت شد

ورزش: با موافقت مسئولان وزارت ورزش و جوانان مشکل ارز ثانویه فدراسیون کشتی برای اعزام تیم ملی کشتی فرنگی و آزاد به مسابقات جهانی مجارستان اعلام کرده بود با برگزاری مسابقات جهانی مجارستان اعلام کرده بود که برای اعزام ملی پوشان به این مسابقات بودجه صدهزار دلاری نیاز است که این مبلغ برای فدراسیون کشتی در شرایط فعلی بسیار مبلغ زیادی است.

به همین دلیل خامه با نامه نگاری با وزارت ورزش و جوانان درخواست کرده بود تا در صورت موافقت برای اعزام به این رقابت ها از ارز ثانویه استفاده شود. سرانجام مسئولان وزارت ورزش و جوانان اعلام کردند که با این درخواست موافقت شده و ملی پوشان کشورمان با ارز ثانویه راهی مسابقات جهانی مجارستان خواهند شد.

رقابت های کشتی آزاد و فرنگی برگسالان قهرمانی جهان روزهای ۲۸ مهرماه تا ۳ آبان ماه در شهر بوداپست مجارستان برگزار می شود.

آگهی تغییرات شرکت فدا معدن تابران شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۹۰۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۱۰۳۱۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۹/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت. - موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آویژه ارقام امین شناسه ملی ۱۴۰۰۲۸۸۳۵۹۲ به عنوان بازرس اصلی و حسابرس شرکت و موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پیام محاسب ایرانیان با شماره ملی ۱۴۰۰۷۴۶۶۰۰ به عنوان بازرس علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۰۹/۳۰ تعیین و انتخاب شدند. - روزنامه کثیر الانتشار قدس جهت چاپ آگهی های شرکت انتشار ۹۷۱۰۹۱۴
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۷۶)

آگهی تغییرات شرکت پژوهش انرژی سولار سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۹۸۲۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۵۶۷۶۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : الف) اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: ۱- آقای محمود قرزانه به شماره ملی ۵۲۲۹۲۴۶۵۹۶ ۲- آقای رضا نادری به شماره ملی ۵۲۲۹۲۴۶۵۹۶ ۳- آقای عبدالامیر یک خوشنویس به شماره ملی ۰۹۸۹۳ ۴۷۲۲۴۰۹ با ، بازرسین شرکت برای یک سال مالی انتخاب گردیدند: ۱- آقای رضا عاملی به شماره ملی ۰۹۳۹۲ ۰۹۵۶۰ به عنوان بازرس اصلی ۲- خانم عارفه سوداگر به شماره ملی ۰۹۳۳۴۹۷۲۹۶ به عنوان بازرس علی البدل ج) روزنامه کثیرالانتشار قدس جهت نشر آگهی های شرکت انتشار شد. ۹۷۱۰۹۰۶
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۶۳۸۶۹)

آگهی تغییرات شرکت خدمات مسافرتی و جهانگردی پویا کیش پرواز شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۹۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۲۹۸۲۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۰ و نامه شماره ۹۷۲،۱۲۸،۷۵۸۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۶ اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - خانم فاطمه جویدار به شماره ملی ۰۶۵۰۱۴۵۲۱۷ به عنوان بازرس علی البدل و خانم وجیهه رحیمی به شماره ملی ۰۰۹۲۱۳۷۱۱۳۳ به عنوان بازرس اصلی برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: خانم حلیمه سراجی به شماره ملی ۰۶۴۰۳۵۶۹۹۰ آقای ابوالقاسم سراجی به شماره ملی ۰۹۳۷۷۲۶۵۴۰ و خانم کنیز سکینه بهز

گفت‌وگو با امیرحسین مدرس به انگیزه انتشار کتاب «جام باقی» که گزیده‌ای از اشعار مناسب روضه است

استحسان عاشورایی برای مناسب خوانی

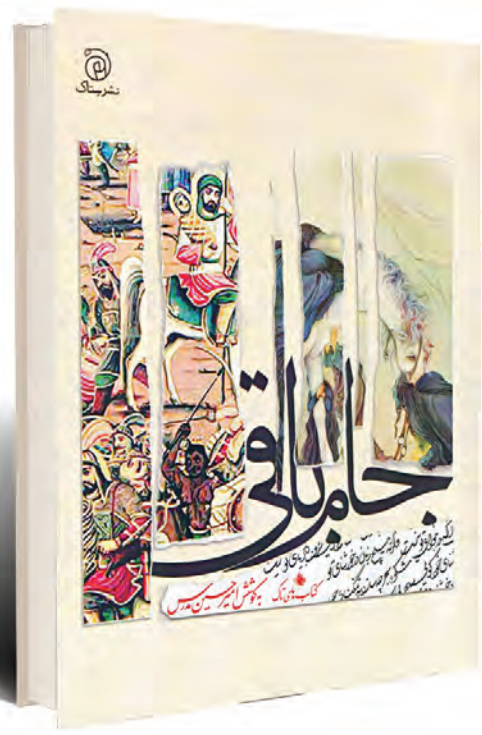

ادب و هنر/ آرش شفاعی | «جام باقی» مجموعه‌ای است منتخب از شعرهای شاعران متقدم که مناسب مجالس روضه اباعبدالله(ع) و یارانش انتخاب شده است. این مجموعه را امیرحسین مدرس شاعر، خوشنویس، بازیگر، مجری و خواننده نام آشنا انتخاب کرده است. به انگیزه انتشار این مجموعه با این هنرمند و شاعر، گفت‌وگو کردیم و البته دامنه بحث به موضوعات روز جامعه هم رسید. این گفت‌وگو را بخوانید:

◆ از اینجا شروع کنیم که چه شد به فکر تدوین و گزینش «جام باقی» افتادید؟

به دلیل آشنایی خانوادگی با هیئت‌ها و روضه‌های قدیمی تهران، کودکی و نوجوانی من در ایام عزا در چنین جاهایی گذشته بود و کسانی را دیده بودم که به قاعده می‌خواندند و برای منبر و نوحه خود تعریفی داشتند، دقیقاً مثل یک قطعه موسیقی از جایی شروع و به جایی ختم می‌کردند. این شکل از مواجهه من با هیئت‌ها سبب شد، ذهنیت من این گونه تربیت شود و شعرهایی که می‌خواندند و اشرافی که به ادبیات و تاریخ داشتند، کالنقش فی الحجر در ذهن من ماند.

اسم مرحوم حاج شیخ رضا سراج را همگان شنیده‌اند، من ایشان را به دلیل آشنایی خانوادگی‌مان در دوران کودکی و نوجوانی دیده‌ام و پای منبرش بوده‌ام، از مداحان قدیمی نیز در مجالس مرحوم شمشیری، مرحوم فرشچی یا مرحوم سید مصطفی‌هاشمی‌دانا که رئیس جامعه مداحان تهران وهمسایه مادربزرگ من بود، شرکت داشتم. تا زمانی که شیوه مداحی تغییر کرد و من و امثال من در این مجالس کمتر حرف حسابی و شعر خوب می‌شنیدیم. من به ذهنم رسید که چرا نباید به همان روال که روال پسندیده‌ای بود، عمل کرد، چرا که وقتی مخاطبی در یک مجلس روضه می‌نشیند، باید شعر خوب بشنود و وقتش تلف نشود و بتواند تأثیر خوب بگیرد. خیلی فکر کردم و دنبال مجالسی بودم که با چنین تعریفی هماهنگ باشد. از حدود ۱۳ یا ۱۴ سال پیش به این فکر افتادم که یک حرکتی می‌شود کرد. ضمن اینکه من دیده بودم که فلان مداح متناسب با موضوع، بیتی مثلاً از حافظ یا سعدی و دیگر گویندگان غزل فارسی می‌خواند و چقدر این موضوع روی مخاطب تأثیر می‌گذارد. همین را مبنا قرار دادم و شروع کردم به مطالعه از بین تذکره‌ها و دیوان شاعرانی که غزل گفته‌اند. از قالب‌های شعر فارسی هم غزل را مبنا قرار دادم و برای همین شاید در این مجموعه غیر از قالب غزل، فقط دو رباعی ببینید. هدفم این بود بهترین انتخاب‌ها و نزدیک‌ترین پیوندها با مفاهیم روضه، اشخاص حاضر در کربلا، با جای‌ها و اتفاقات صورت بگیرد. برای همین خودم را در آن فضا قرار می‌دادم که اگر کسی این بیت را مثلاً در وداع حضرت سیدالشهدا(ع) بخواند، چه اتفاقی می‌افتد. من از هر دوره تاریخی چند دیوان را انتخاب کردم تا این نگاه را مطرح کنم که شعرهایی که هیچ ارتباطی به ادبیات آیینی ندارند هم می‌توانند در موقعیت مناسب، به عنوان شعر آیینی استفاده شوند.

◆ در حقیقت در شعر فارسی به نفع کربلا تصرف کرده‌اید.

دقیقاً. قدیمی‌ها البته می‌گفتند «استحسان» کرده‌ایم. طبیعتاً وقتی من شروع کردم، گفتم ما واقعه کربلا را داریم که جزئیات و افراد و ماجراهایی دارد. آن‌ها را دسته بندی کردم و حدود بیست و چند عنوان شد. در تهران رسم هیئت‌ها بر این است که روز اول محرم، روضه جناب مسلم بن عقیل می‌خوانند، روز دوم روضه ورود به کربلا، روز سوم روضه حضرت رقیه(س)، روزچهارم روضه اصحاب و فرزندان حضرت زینب(س) و فرزندان حضرت مسلم(ع)، روز پنجم روضه جناب عبدالله بن حسن(ع)، روز ششم روضه جناب قاسم بن الحسن(ع)، روز هفتم روضه عطش و حضرت علی اصغر(ع)، روز هشتم روضه حضرت علی اکبر(ع)، تاسوعا روضه حضرت ابوالفضل(ع) و عاشورا هم که روضه سید الشهدا(ع) می‌خوانند. بعد از آن هم شام غریبان است. روز یازدهم و دوازدهم هم حرکت کاروان و دروازه کوفه و شام و بعد هم بازگشت به مدینه. تمام این دسته بندی‌ها در ذهن من بود که هر شعری به کدام موضوع می‌خورد. در یک غزل ۱۲-۱۰ بیتی از صائب ممکن است ۶ بیت انتخاب شده باشد که هرکدام به موضوعی مرتبط است.

◆ در حقیقت مثل بازیگری بوده‌اید که سال‌ها یک نقش را بازی می‌کند و باید آن نقش مدت‌ها با او باشد و گمش نکند.

دقیقاً درست است و خودم هم فکر نمی‌کردم که این‌قدر تمرکز بخواهد و دشوار باشد. یک انتخاب بد کافی بود که همه چیز را خراب کند. به همین دلیل به صورت متمرکز که عمده وقت من را گرفته است، چهار سال درگیر این کتاب بوده‌ام.

◆ به نظر شما فضای امروز نوحه خوانی کار ارزشمندی مانند این کتاب را درک می‌کند؟

بله. هنوز هم حتی در بین مداحان جوان کسانی هستند که به همان شیوه درست و اصولی نوحه بخوانند و شعر را بشناسند، مثلاً حنیف طاهری از جوان‌هایی است که با شعر آشناست و دیده‌ام که انتخاب‌های خوبی می‌کند و نظیر ایشان باز هم در میان جوانان هستند. قدیمی‌ترها مانند آقا ذبیح ترابی که غیرممکن است مجلسش را با یک شعر آیینی شروع نکند، روز هفتم محرم که روضه عطش می‌خواند با این شعر شروع کرد که: «در نظربازی ما بی‌خبران حیرانند» تا به اینجا رسید که: «عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدای، ما همه بنده و این قوم خداوندانند» و از همین لب و شیرین دهنان استفاده کرد یا به قول شما تصرف کرد و به لب‌های خشک اصحاب امام و شیرین دهنی حضرت علی اصغر(ع) رسید؛ یا مثلاً استاد علی انسانی که جزو سرآمدان است به همین شیوه دارند ادامه می‌دهند.

آنچه می‌خوانید

> مواجهه من با هیئت‌ها سبب شد، ذهنیت من این گونه تربیت شود و شعرهایی که می‌خواندند و اشرافی که مداحان به ادبیات و تاریخ داشتند، کالنقش فی الحجر در ذهن من ماند

◆ ولی قبول دارید که درّ نادرند؟

بله. به همین دلیل است که از مجلس آن‌ها استفاده بیشتری می‌برید. شاید در مجالس دیگر شور و هیجان بیشتر باشد اما عمق ندارند. عمق را چه چیزی برای ما تعریف می‌کند؟ در درجه اول اخلاص و بعد هم اینکه کلام را درست انتخاب کنید. غیرممکن است که در حالت عادی یک بیت خوب بشنوید و تحت تأثیر قرار نگیرید چه برسد به اینکه در مجلس روضه این اتفاق بیفتد. البته یک نکته دیگر هم هست؛ در گذشته چه در موسیقی و آواز ایرانی و چه در مداحی‌مان، اصلی داشته و داریم به نام «مناسب خوانی». مناسب خوان کسی است که مناسب اتفاقی که در لحظه افتاده است، بیتی یا ابیاتی را به صورت بداهه و ارتجالاً بگوید یا از مخزن شعری ذهنش بخواند. در آوازمان هم این گونه اشعار زیاد داشته‌ایم. من در مقدمه کتاب از این ابیات نمونه‌هایی برشمرده‌ام و این کتاب با توجه به این اصل تهیه شده است.

◆ چرا در جاهایی مثل ارشاد و صدا و سیما کسانی درباره موسیقی و شعر تصمیم می‌گیرند که دانشش را ندارند؟

به همان دلیل که وقتی کسی تسلطی بر اقتصاد ندارد اما ممکن است زمام اقتصاد را در دست بگیرد و اشتباه کند یا کسی که جامعه شناسی نمی‌داند، بدون اطلاع لازم درباره جامعه رأی هم در آواز و هم در نوحه، ایجاد حالتی همراه با سکینه مورد نظر بوده است که به این شیوه‌ها متوسل می‌شده‌اند اما امروز هدف هیجان است، آن هم از نوع هیجانی که نه به وسیله انتخاب دستگاه مناسب یا شعر خوب ایجاد شود، بلکه از روش‌های دیگری به هیجان می‌رسد و جریان مسلط هم همین جریان است.

بله، این را قبول دارم؛ چرا که تمام رسانه‌های تبلیغی و اطلاع رسانی در خدمت آن جریان مسلط است.

◆ چرا در جاهایی مثل ارشاد و صدا و سیما کسانی درباره موسیقی و شعر تصمیم می‌گیرند که دانشش را ندارند؟

به همان دلیل که وقتی کسی تسلطی بر اقتصاد ندارد اما ممکن است زمام اقتصاد را در دست بگیرد و اشتباه کند یا کسی که جامعه شناسی نمی‌داند، بدون اطلاع لازم درباره جامعه رأی صادر می‌کند. ما دچار چنین بیماری‌ای هستیم و این واقعاً یک بیماری است که دیگر به جایی رسیده که صعب العلاج شده است و امیدوارم دیگر لاعلاج نشود.

◆ آیا وقتی نگاه و جریان اصلی چنین است اینکه یک نفر چهار سال وقت بگذارد و بیت‌های مناسب انتخاب کند، یک جور ساده دلی نیست؟

می‌گویند کار نشد ندارد. درست است که رسانه‌های مسلط تحت تأثیر آن نگاه‌اند اما امروز ما دیگر انحصار رسانه‌ای نداریم.

ضمن اینکه ما رسانه‌ای به نام هیئت را داریم. منبر از گذشته تا امروز یک رسانه قدرتمند بوده است و از این رسانه، هم می‌شود استفاده درست کرد و هم نادرست و این اتفاق دارد همزمان می‌افتد. در برخی از هیئت‌ها می‌روی می‌بینی که حرف‌هایی گفته می‌شود که کشور را به هم می‌ریزد، هیئتی هم می‌روی همه حرف‌ها درست و حسابی است.

عزاداری برای سیدالشهدا(ع) تمام شدنی نیست

من برخی اتفاقات نابجای امروز را از جریان عزاداری سیدالشهدا(ع) جدا می‌دانم. در همه دوره‌ها مشکلاتی برای زیارت سیدالشهدا(ع) به بار آمده است، آیا مردم از زیارت ایشان ناامید شدند؟ عزاداری برای سیدالشهدا(ع) در طول تاریخ حفظ شده، حالا یا تقدیر خداوند این بوده یا پرچمدارانی هستند که این پرچم را نگه می‌دارند ولی با همه این تغییر و تحولات، آن اصالت هیچ وقت از دست نرفته است و هیچ وقت هم از دست نمی‌رود. خود سیدالشهدا(ع) می‌گوید: ما کوه‌های مستحکمی‌هستیم که بادهای لرزاننده ما را به لرزه در نمی‌آورد؛ پرچم سیدالشهدا(ع) هم این گونه است.

اما برخی از همین مردم که به هیچ عنوان از دستگاه سیدالشهدا(ع) کنار نمی‌روند، در عرصه اجتماعی به سرعت ناامید می‌شوند، چرا که ما با نوعی بی دانشی و شاید پنهانکاری مواجهیم. ما در تلویزیون و شما در مطبوعات و دیگران در حوزه‌های دیگر فرهنگی قطعاً با آدم‌هایی مواجهیم که بسیاری از آن‌ها مدیراند اما این کاره نیستند و از طرفی نقد پذیر هم نیستند. همین مسئله است که به جامعه روحیه ناامیدی تزریق می‌کند.

کتاب همچنان شرافت خود را حفظ کرده است

من معتقدم که با این ماجرای انفجار اطلاعات و گسترش رسانه‌های غیر رسمی، هنوز ما بی دانشیم چرا که اینترنت و فضای مجازی اقیانوسی به عمق یک بند انگشت است ولی همچنان کتاب شرافت خود را حفظ کرده است و به انسان عمق می‌دهد.

اما از فضای مجازی هم می‌شود استفاده مطلوب کرد. حافظ می‌فرماید: «آشنایان ره عشق در این بحر عمیق/ غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده». باید این گونه شد. ورود به این فضا هم به نظرم طبیعی است. فرض کنید من هر طرف می‌روم مرا محدود می‌کنند، کتاب می‌خواهم بنویسم، مشکل درست می‌کنند، می‌خواهم فیلم بسازم همان بی دانش‌ها نمی‌گذارند، بعد یک فضای گسترده لایتناهی پیدا می‌کنم و از یک اتاق محدود، یک فضای بیکران در برابرم قرار می‌گیرد و تمام حرصی را که پشت این ممنوعیت‌ها وجود داشته می‌خواهم خالی کنم، این طبیعی است ولی من که در کتاب‌هایم یک جور دیگر نوشته‌ام و شخصیت خود را در کتابم، موسیقی‌ام و بازیگری‌ام، نشان داده‌ام؛ باید شأن خودم را حفظ کنم و همان خط را در اینجا هم لحاظ کنم.

موسیقی

فریدون شهبازیان و محمد اصفهانی در ارکستر ملی

باشگاه خبرنگاران: ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان و خوانندگی محمد اصفهانی با اجرای ویژه آیینی با عنوان حدیث سرفرازی، ۲۱ مهر ساعت ۱۹ در تالار وحدت روی صحنه می‌رود.

در اجرای این قطعات، «سر افرازی» از حمید شاهنگیان، «سوگ» و «معصومیت» از فریدون شهبازیان، «غنچه افسرده»، «فریاد تنهایی» و «فرصت بدرود» از محمد اصفهانی، «شور آفرین» از حسین دهلوی، دو نغمه بختیاری از روح اله خالقی، «چنگ و نی» از محمد بیگلرپور و «دیده بگشا» از علی کهن دیری، به دست هنرمندان ارکستر نواخته می‌شود.

ادبیات

نکوداشت علی موسوی گرمارودی

ایبنا: مراسم سوگواره ملی شعر عاشورایی با عنوان «عصر آفتاب» همراه با آیین نکوداشت علی موسوی‌گرمارودی در تالار ایوان شمس برگزار می‌شود.سوگواره ملی شعر عاشورایی «عصر آفتاب» با حضور چهره‌های شاخص شعر عاشورایی عصر امروز سه‌شنبه ۱۷ مهر، در تالار ایوان شمس برگزار می‌شود.در این برنامه شاعران مطرحی مانند محمدعلی مجاهدی، عباس براتی‌پور، حسین اسرافیلی، عبدالجبار کاکایی، افشین علا، مصطفی محدثی خراسانی، محمود اکرامی‌فر، علی جهانگیری، غلامرضا طریقی، محمدسعید میرزایی، محمدجواد شرافت، کمال شفیعی، قاسم صرافان، حسنا محمدزاده، حمید چشم آور و ساجده جبارپور حضور دارند.قرار است که در این مراسم امیرعباس گلاب به اجرای موسیقی عاشورایی بپردازد.

بازتاب

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «سربازان نیار»

با نوشتن خلاقانه خاطرات، قد و بالای دفاع مقدس‌مان را حفظ کنیم

ایبنا: ساسان ناطق، نویسنده کتاب «سربازان نیار» می‌گوید: از وضعیت تبلیغ و شعارگونه سال‌های نخست جنگ‌نویسی فاصله گرفته‌ایم و اگر به بلوغ فکری خواننده احترام نگذاریم، خیلی کار خلاقانه‌ای انجام نداده‌ایم. بسیاری معتقدند خاطرات دفاع مقدس کار خلاقانه‌ای نیست، ولی من باور دارم که کار خلاقانه‌ای است و خواننده باید از خواندن اثر لذت ببرد.

کتاب «سربازان نیار» که براساس خاطرات کلام‌اله اکبرزاده به قلم ساسان ناطق به رشته تحریر درآمده، سال گذشته از سوی انتشارات سوره مهر وابسته به حوزه هنری راهی بازار نشر شد. در این نوشتار، با مصاحبه‌گر و نویسنده این کتاب درباره چگونگی خلق این اثر و فضای شکل‌گیری چنین آثاری در کشور به گفت‌وگو نشستیم.

◆ چطور شد این سوژه را برای خلق یک اثر دفاع مقدسی انتخاب کردید؟

زمان تدوین این کتاب به‌عنوان رئیس حوزه هنری اردبیل فعالیت می‌کردم. روزی گفتند میهمان دارید. آقایی آمد و گفت: دوست دارم خاطراتم را بگویم و شما آن‌را بنویسید، از نوع کارهایی که شما در این زمینه انجام داده‌اید. کلام‌اله اکبرزاده اهل روستای «نیار» در حاشیه شهر اردبیل است که عنوان کتاب نیز به همین روستا بازمی‌گردد. کلام‌اله زمان اعزام به جبهه ۱۵ سال داشت. بدون آموزش همراه اعزامی‌های اردبیل، عازم منطقه کردستان می‌شود و این شروع ماجراست.

مهم‌ترین وظیفه من در این‌کار، نشان دادن جغرافیای نیار بود. در این روستا همه بچه‌های همسن‌و سال کلام‌اله، بزرگترها و حتی پیرمردها به جبهه رفتند. شاید نصف جمعیت آن زمان روستای نیار به جبهه اعزام شدند که در بین آن‌ها عده‌ای شهید و جانباز هم شدند و حتی یک خانواده چهار شهید هم داشت.

◆ برای نوشتن این کتاب ۷۷ ساعت مصاحبه انجام داده‌اید. تبدیل مصاحبه شفاهی به یک قالب داستانی کار سختی نبود؟

من شکل داستان‌واره را در این اثر رعایت کردم. در هر خاطره‌ای تعداد زیادی آدم می‌بینیم و باور ما این است که همه این آدم‌ها به درد کتاب نمی‌خورند و نمی‌توان همه را وارد متن کرد و انتظار داشته باشیم خواننده از خواندن این مطالب لذت ببرد، مگر اینکه به شخصیت‌سازی بپردازیم. در خاطره عنصری به نام شخصیت‌پردازی نداریم و تأکید ما معرفی افراد دخیل در خاطره است. ولی من از عناصر داستانی کمک گرفتم که حداقل بتوانم افرادی را که دوروبر اکبرزاده هستند، بهتر به خواننده معرفی کنم، حال این اتفاق افتاده یا نیفتاده را باید از کسی که کتاب را خوانده بپرسیم.

◆ شاید برخی مخاطبان معتقد به این فکر بیفتند که این‌ها یک تعداد کتاب شبیه هم درباره چند جوان و نوجوانی است که به جبهه رفته، اسیر و جانباز شده‌اند. چه لزومی دارد که باز هم یک نویسنده به موضوعی اینچنین بپردازد؟

هر راوی جنگ از منظر و دید خود آن را روایت می‌کند. یک فرمانده کلان‌نگر درباره اهداف کلی عملیات‌ها و به‌صورت آماری و برآوردی صحبت می‌کند، ولی راوی‌هایی که تبلیغاتی نبوده و خودشان پشت خاکریز بودند، خیلی جزئی‌تر صحبت می‌کنند. در ضمن اتفاقی که برای من افتاده با اتفاقی که برای شما افتاده، زمین تا آسمان فرق می‌کند و این اتفاق است که هیجان‌انگیز بودن و زیبایی کار را به مخاطب نشان می‌دهد.

◆ وضعیت مستندنگاری جنگ را در بخش خاطره‌نویسی چطور می‌بینید؟

نهادهای مختلفی در کشور این کار را انجام می‌دهند، ولی هیچ هم‌صدایی با هم ندارند. هم‌صدایی در وحدت رویه باید وجود داشته باشد که به هر کار نازلی تن ندهیم و قد و بالای دفاع مقدسمان را حفظ کنیم. ناشران خصوصی زحمت‌های زیادی می‌کشند و از روی عشق، شوق و علاقه کار می‌کنند، در نهادها هم یک جدیت خاصی در این زمینه وجود دارد، ولی خیلی کم از کار یکدیگر اطلاع دارند.

یک نکته هم اینکه برخی آثار به دلایلی با سلایق و اندیشه بعضی دوستان همخوانی ندارد و به سادگی جلوی انتشار آن گرفته می‌شود. اگر قرار باشد همه کارهایمان تعریف و تمجید از گذشته باشد، هیچ چیز جذابی به مخاطب ارائه نداده‌ایم. از طرفی اگر طیف جدیدی از افراد و اندیشه‌ها وارد این حوزه نشود، داستان رشد نمی‌کند.

خبر

قیمت بلیت یک نمایش در تهران به ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد!

مخاطب بینوا پشت در «بینوایان»

ادب و هنر: این روزها قیمت بالای بلیت چند نمایش صدای اعتراض تعدادی از اهالی هنر را درآورده است. به عنوان مثال هزینه بلیت تئاتر «الیور توئیست» به کارگردانی حسین پارسایی به گفته خود این کارگردان به ۲۰۰ هزار تومان هم می‌رسد.

کورش سلیمانی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون نیز در اعتراض به این هزینه‌های بالا پستی را در اینستاگرامش منتشر کرد.

او در این پست نوشته: «آقایان! تئاتر برای همه مردم است، نه فقط بخشی از مردم که پول دارند... لطفاً قیمت بلیت اجراهای خود را معقول کنید. کسی با درآمدزایی منطقی و متناسب با شرایط عمومی صاحبان اثر و تماشاگران در تئاتر مخالف نیست، اما این شکل گران کردن قیمت بلیت که اخیراً شاهد نمونه‌های آن هستیم، حالا برای به رخ کشیدن خودتان است یا تأمین حوایج کار یا به هر دلیل دیگر کاملاً غیرمنصفانه، غیرهنرمندانه و ظالمانه است».اما حسین پارسایی مدیرکل دفتر شبکه نمایش خانگی و کارگردان تئاتر درخصوص این انتقادها گفته است: نمایش موزیکال «بینوایان» یک کار بزرگ با ۱۵۰ نفر بازیگر و یک گروه ارکستر ۱۰۰ نفره است که هزینه میلیاردی برای آن صرف شده است و ۲۰۰ هزار تومان روال طبیعی نمایش‌های این چنینی است.

ادغام جشنواره‌های شعر و داستان انقلاب

فارس: به منظور گسترش و ارتقای کیفی روند برگزاری، بازدهی هرچه بیشتر و هم‌افزایی تلاش‌های شاعران و نویسندگان جوان و باتجربه، در یازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر و داستان، دو بخش اصلی یاد شده به طور همزمان پذیرای آثار شرکت‌کنندگان این رقابت ادبی است.

گفتنی است جشنواره بین‌المللی شعر انقلاب پیش از این در دی ماه هر سال و جشنواره بین‌المللی داستان انقلاب (جایزه امیرحسین فردی) در فروردین ماه برگزار می‌شد که با ادغام دو بخش، این رویداد ادبی همزمان با هفته هنر انقلاب اسلامی در فروردین ماه سال ۹۸ برگزار خواهد شد.

برگزاری این رویداد را مؤسسه فرهنگی هنری سپهر سوره هنر با همکاری مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برعهده دارد.

کتاب جدید سارا عرفانی درباره شهید کلهر

سارا عرفانی در خصوص کتاب جدیدش گفت: بتازگی داستانی را درباره کودکی شهید کلهر نوشته‌ام. این کتاب از طرف حوزه هنری کودک و نوجوان منتشر می‌شود و چند نویسنده دارد. هر کدام از نویسنده‌های این مجموعه داستان، خاطره و اتفاقی از کودکی یک شهید را بیان می‌کنند.

وی افزود: انتشارات سوره مهر قرار است مجموعه داستانی را درباره کودکی شهدا منتشر کند. این کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته شده و تصویرگری این کتاب به زودی انجام خواهد شد.

این نویسنده در خصوص کتاب در دست نگارش خود بیان کرد: ایده‌هایی برای نگارش کتاب جدید دارم، اما هنوز مطلب خاصی ننوشتم. امسال البته داستان‌هایی برای مجله رشد دانش‌آموز نوشتم که کودکان می‌توانند داستان‌هایم را در این مجله بخوانند.

«سوگ آواهای کهن» با رسول نجفیان

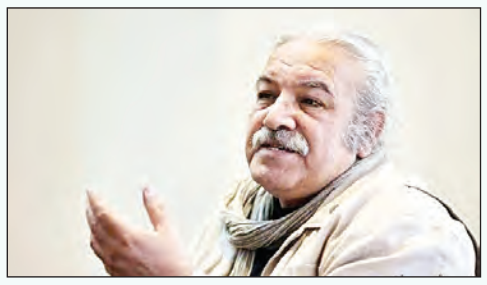

هنرآنلاین: علی درویش پور مدیرعامل برج میلاد تهران از برگزاری ویژه‌برنامه محرم و صفر با عنوان «سوگ آواهای کهن» توسط رسول نجفیان خواننده و بازیگر سینما و تلویزیون خبر داد.

وی افزود: «سوگ آواهای کهن» در واقع روایتی از رسم‌ها و آیین‌های عاشورایی اقوام ایرانی و سوگ سهراب در شاهنامه است که توسط رسول نجفیان به مدت ۱۰ شب در گالری غربی برج میلاد برگزار می‌شود.

درویش پور تصریح کرد: در حقیقت «سوگ آواهای کهن» نتیجه تحقیق ۳۰ ساله رسول نجفیان روی آیین‌ها و رسوم عاشورایی و آهنگ‌های نهفته در تعزیه‌ها، نواهای عاشقان دلسوخته اباعبدالله الحسین (ع) و لالایی‌های مادران ایران‌زمین است که خود او به همراه گروهی از هنرمندان موسیقی کشورمان اجرا و روایت می‌کند.در اجرای نواهای عاشورایی، گروه موسیقی دمام زن، گروه کر، گروه دف‌نوازان نیز این هنرمند را همراهی می‌کنند.

هزار سال شعر عاشورایی در «ساز نی در کربلاست»

باشگاه خبرنگاران: «ساز نی در کربلاست» با نگاهی به ۱۰۰۰ سال شعر عاشورایی فارسی از شاعران ایران به کوشش رحیم زریان، شاعر و پژوهشگر، از سوی انتشارات اطلاعات به چاپ رسید.زریان در مقدمه این کتاب با اشاره به ضرورت نگارش آن می‌نویسد: در فکر آن بودم تا مجموعه شعری عاشورایی از شاعران کشورم را که دارای بلاغت و صناعات لفظی و معنوی، کشف و نوآوری و ایجاز و بدیع باشد فراهم آورم، بخصوص اشعار وزین و سرشار از جوهر خیال و احساس چند شاعر نامدار را کنار هم قرار دهم تا در دسترس اهل دل و عاشقان مکتب ثارالله باشد. نویسنده در این کتاب به بررسی اشعار شاعرانی چون عطار، مولانا، سعدی، سیف فرغانی، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی، محتشم، صائب، بیدل، سروش اصفهانی، ملک‌الشعرای بهار، فؤاد کرمانی، شهریار، خسرو احتشامی، زکریا اخلاقی، حسین اسرافیلی، رضا اسماعیلی، مرتضی امیری اسفندقه، صابر امامی، قیصر امین‌پور، اسماعیل امینی، ساعد باقری، عباس براتی‌پور، سعید بیابانکی، حمیدرضا برقعی، عبدالرضا رضایی‌نیا، طاهره صفارزاده و... در دو فصل پرداخته است.

گفت و گوی قدس با الهام ابراهیمی تهیه کننده پویانمایی «جوانمردان»

به شرط حمایت، چیزی از انیمیشن دنیا کم نداریم

سیما و سینما / صبا کریمی | انیمیشن «جوانمردان» به کارگردانی علی احمدی و تهیه کنندگی الهام ابراهیمی، مجموعه ای۱۰۰ قسمتی است که تاکنون ۱۳ قسمت آن آماده پخش شده و قرار است روی آنتن شبکه امید برود. این سریال در دوران حمله مغول اتفاق می‌افتد و پس از حمله بیگانگان جوانانی شروع به تشکیل هسته مقاومت می‌کنند و به صورت پارتیزانی به مبارزه با مغولان برمی‌خیزند. به همین بهانه با تهیه کننده این مجموعه که سابقه ساخت فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های انیمیشن بسیاری را در کارنامه کاری خود دارد به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

◆ خانم ابراهیمی پروژه «جوانمردان» چگونه کلید خورد، پیشنهاد ساخت آن از کجا شکل گرفت و تا امروز چه مراحلی از ساخت آن طی شده است؟

ساخت این مجموعه از طرف آقای مرتضی شمسی مدیراسبق مرکز صبا به من پیشنهاد شد و جلساتی بابت ویژگی‌های کار و کیفیت آن با هم داشتیم. این کار یک مجموعه ۱۰۰ قسمتی ۲۰ دقیقه‌ای است و فصل اول آن تمام شده و امیدواریم بتوانیم به سرعت فصل دوم را شروع کنیم. تابه حال هشتاد درصد پیش تولید برای صد قسمت انجام شده و کاراکترهای تمام قسمت‌ها را آماده کردیم، البته اگر قرار باشد کاراکتری هم اضافه شود در طول کار آن‌ها را می‌سازیم. تقریباً ۹۷ کاراکتر اصلی و چیزی نزدیک به ۳۰۰ تا ۵۰۰ کاراکتر فرعی در کار وجود دارد و هرچقدر کار جلوتر می‌رود ممکن است به این تعداد هم افزوده شود. موضوع اصلی این مجموعه هم درباره مقاومت و جوانمردی مردم ایران است، اما اقتباسی هم از زمان حمله مغول به ایران شده و در گرافیک کار پنج دوره تاریخی را لحاظ کردیم به گونه‌ای که اگر شما هرکدام از این کاراکترها را هرجای دنیا ببرید هیچ کدام از المان هایشان به جایی غیر از ایران تعلق ندارد. تمام المان‌های کاراکترها و ابزارهای جنگی مختص پنج دوره تاریخی ایران است و حتی ما سعی کردیم پوشش گیاهی و منطقه جغرافیایی ایران را هم رعایت کنیم، اما در هیچ بخشی از داستان به این موضوع اشاره نداریم که محل روایت داستان به لحاظ جغرافیایی کجای ایران است.

◆ فروش قابل توجه و میلیاردی انیمیشن در سینما طی سال‌های اخیر موجب نگاه جدی‌تری به این حوزه شده است، با توجه به اینکه این صنعت در ایران تقریباً نوپاست به نظر شما سهم تولیدات انیمیشن در سینمای ما چقدر است؟

البته این صنعت از دید ما که ۱۵ سال است در آن مشغول کاریم و سعی کردیم کارهای باکیفیت تولید کنیم نوپا نیست. به نظرم بین این دو مقوله که از این صنعت حمایت نشده یا اینکه پتانسیلش وجود نداشته خیلی تفاوت است. ببینید! حوزه انیمیشن حوزه پولساز و ارزآوری است. ما در پروژه «جوانمردان» دقیقاً به همین سمت رفتیم که در حوزه انیمیشن برندسازی کنیم. «جوانمردان» برند انیمیشن ملی ایران نام‌گذاری شد به دلیل اینکه همزمان با ساخت سریال، نگارش فیلمنامه سینمایی آن را نیز آغاز کردیم، از طرف دیگرعروسک‌ها را نمونه سازی و طراحی کتاب کمیک را هم شروع کردیم و در واقع طراحی همه تولیدات جانبی را همزمان پیش بردیم. اعتقاد ما بر این بوده که این پروژه پتانسیل زیادی برای برند شدن دارد و همزمان تمام اتفاقاتی که برای یک برند انیمیشن در دنیا افتاده برای این کار هم به لحاظ گرافیک و تکنیک ساخت می‌تواند رخ بدهد و در واقع هیچ چیزی از استانداردهای جهانی کم ندارد و سریالش کاملاً با یک سریال بین‌المللی برابری می‌کند. تلاشمان این است که نسخه سینمایی هم همتراز استانداردهای بین‌المللی باشد.

◆ لوازم جانبی انیمیشن‌ها کنار این صنعت رشد کرده، به طور مثال انیمیشن «یخ زده» در حالی که ۱۵۰ میلیون دلار بابت ساخت هزینه کرده و بالغ بر یک و نیم میلیارد در گیشه فروش داشته، اما چندین برابر این رقم از صنعت لوازم جانبی این فیلم سود کرده است. در صنعت انیمیشن ایران چقدر به بازار تولیدات جانبی توجه می‌شود؟

اتفاقاً پروژه ما کاملاً پتانسیل این مسئله را دارد و یکی از دلایلی که ما در گرافیک کار سعی کردیم همه چیز را مختص به ایران ببینیم این بود که به برندسازی فکر کردیم و به دنبال خلق یک کاراکتر ایرانی با تمام المان‌های تاریخی آن بودیم. حتی گیم این پروژه در برنامه ما هست و چندین ماه است که با بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای مذاکره می‌کنیم و به جمع‌بندی خوبی هم رسیدیم. اما مسئله بحث بودجه است. ما با کمیسیون فرهنگی مجلس و دیگر نهادها مکاتباتی داشتیم که بتوانیم تا ۶ ماه آینده گیم کنسول این محصول را به بازار ارائه کنیم. اینکه می‌گویم گیم را تا اینجا پیش بردیم در واقع تا همین جای داستان هم خودمان دنبالش بودیم که از کمیسیون فرهنگی و معاون فرهنگی پارلمانی مجلس وقت بگیریم. ماه‌ها پیگیری کردیم و البته آن‌ها هم حمایت کردند و وقتی کار را دیدند باورشان نمی‌شد در ایران تولید شده و انصافاً هم حمایت‌های خوبی از این کار شد. دستوراتی که من برای تولید گیم این پروژه گرفتم در واقع حمایتی بود که از سوی وزارت ارشاد اتفاق افتاد. من معتقدم اگر مسئولان محترم بخواهند حتماً می‌شود.

از سوی دیگر ما استعدادهای خیلی خوبی در این حوزه داریم. ما در این پروژه مانند شرکت‌های مطرح دنیا از تکنیک‌های روز Unreal Engine استفاده کردیم و زمان رِندِر را در این پروژه به صفر ثانیه رساندیم و این دستاورد بسیار بزرگی است.

برش

حوزه انیمیشن حوزه پولساز و ارزآوری است. ما در پروژه «جوانمردان» دقیقاً به همین سمت رفتیم که در حوزه انیمیشن برندسازی کنیم. «جوانمردان» برند انیمیشن ملی ایران نام گذاری شد

ستاد فناوری ریاست جمهوری به واسطه همین دستاورد به ما مجوز دانش بنیان داد و حتی سال گذشته بابت این پروژه به ما وام داد که بتوانیم ادامه بدهیم و آن زمان بابت آر اند دی «R&D» این پروژه به ما کمک کردند.

نقش بخش خصوصی خیلی مهم است و باید تلاش کنیم تا در جریان این راهی که می‌رویم قرار بگیرند. اتفاقاً وقتی قرار می‌گیرند حمایت هم می‌کنند، ولی به طور کلی دغدغه‌اش وجود ندارد. در حالی که صنعت انیمیشن با توجه به ظرفیت هایی که دارد بسیار پولساز است. همانطور که گفتم Unreal دستاورد کوچکی در صنعت انیمیشن نیست و تنها نزدیک به پنج شرکت بزرگ دنیا از آن استفاده می‌کنند. با این دستاورد پیشبرد کار سریع‌تر شد و زمان تولید انیمیشن خیلی پایین آمد. پروژه «جوانمردان» به دلیل پیش تولید سنگینی که داشت زمان بر شد، اما به لحاظ تولید ظرف مدت ۹ ماه کار را با این کیفیت ساختیم و زمان تولید آن به نصف رسیده است.

◆ از جشنواره سی و چهارم فجر اختصاص یک بخش به انیمیشن مطرح شد و طی روزهای اخیر هم آقای داروغه زاده اعلام کرد که در جشنواره سی و هفتم یک جایزه به انیمیشن اختصاص پیدا خواهد کرد. ضمن این که در کنار آن جشنواره پویانمایی تهران را هم داریم. این مسئله چقدر می‌تواند سرمایه‌گذار بخش خصوصی را به حضور در این عرصه ترغیب کند؟

سال ۹۴ من با کار «بازمانده» در جشنواره حضور داشتم و جزو یکی ازپنج اثری بود که به جشنواره راه پیدا کرد که البته کم لطفی‌هایی هم به آن شد. متأسفانه بچه‌های حوزه انیمیشن آن قدر کنار گذاشته شده و دیده نشدند که این اتفاق بزرگی می‌تواند باشد. به طور مثال جشنواره پویانمایی در همدان چندماه پیش برگزار شد و همه افراد این حوزه در این جشنواره بودند و حال همه خوب بود و این دیده شدن حس خوبی به همه داد. این اتفاق‌ها برای انیمیشن خیلی خوب است. هم تیم تولید انگیزه پیدا می‌کنند که دیده شوند هم تیم تهیه و سرمایه گذار ترغیب می‌شود به این حوزه ورود کند. حوزه‌ای که امروز واقعاً استانداردهای جهانی را داراست.

بچه‌های انیمیشن عاشق کارشان هستند و در حالی که هیچ جا حقوق معنوی آن‌ها به جا آورده نمی‌شود و به لحاظ مادی هم بخوبی تأمین نمی‌شوند، اما فقط به خاطر علاقه خودشان کار می‌کنند. شما به نرخ تولید انیمیشن در منطقه خاورمیانه نگاه کنید که بین هشت تا ۱۰ هزاردلار در دقیقه است و در دنیا هم که این رقم بالای ۳۰ هزار دلار است، اما در ایران ما با کمتر از ۵۰۰ دلار کار را تولید می‌کنیم. وضع تهیه کنندگان هم همین است. من بعد از ۲۰ سال کار همه دارایی‌ام را در این پروژه گذاشتم که آن را به ثمر و نتیجه برسانم و سعی می‌کنم چیزی که لیاقت مخاطب است را به او بدهم، اما ما هم تا جایی که بتوانیم ایستادگی می‌کنیم.

◆ شما سالیان زیادی است که در این حوزه مشغول به فعالیت هستید. شاید مقایسه انیمیشن ایران با کمپانی‌های بزرگی همچون دیزنی، پیکسار، سونی و... منطقی نباشد، اما با توجه به بضاعت موجود، وضعیت تکنیکال و تولید انیمیشن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سطح کیفی انیمیشن ما کمتر از دنیا نیست و واقعاً چیزی کم ندارند به شرط آن که به آن‌ها فضا و بها داده شود. بد نیست اشاره کنم به «بازمانده» که آن را سال ۹۴ با ۳۸۰ میلیون و در ۱۱ ماه ساختم. حتماً نمی‌توانیم خود رابا کمپانی‌های بزرگ هالیوودی مقایسه کنیم. آن شرایطی که در همه جای دنیا وجود دارد اگر یک دوم آن در اختیار ما بود مطمئن باشید هیچ چیزی کمتر از آنچه آن‌ها ارائه کردند، تحویل نمی‌دادیم؛ اما متأسفانه ما خیلی از سخت افزارها را نداریم. چه زمانی تجهیزات مالی و امکانات روز دنیا به ما داده شد و ما استفاده نکردیم؟ ما هرچه داریم خودمان داریم. من خیلی از امکانات برای پروژه «جوانمردان» را با پول شخصی خودم تهیه کردم و باید از شرکت دانش بنیان تشکر ویژه کنم که حمایت کرد و ما توانستیم کار را جلو ببریم. به نظرم ما در جایگاه خوبی هستیم و فقط نیازمند حمایت بیشتریم.

خبر

وحید جلیلی در دانشگاه صدا و سیما:

صدا و سیما به اشغال طبقه مرفه بی‌هویت در آمده است

ایسنا: وحید جلیلی درمراسم شروع به کار رسمی تشکل جامعه رسانه اسلامی که با هدف تبیین نقش جوانان در رسانه ملی با عنوان «جوانان و تحول رسانه» دردانشگاه صداوسیما ۱۶ مهر ماه برگزار شده بود؛ در سخنانی ضمن انتقاد از وضعیت سازمان صداوسیما درباره این سازمان، گفت: اگر فکر می‌کنید باید کاری انجام دهید، نیازمند عملیاتی هستیم که آرمان، تعریف و هدف داشته باشد و اتفاقاً این سازمان صداوسیماست که نیاز به عملیات دارد. به دلیل این که رسماً از تعریف خود جدا شده است و ضد آرمان است و در حوزه‌های وسیع بی‌عملی می‌کند.

او با اشاره به اینکه سازمان صدا و سیما باید صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باشد، تأکید کرد که این سازمان شدیداً مخدوش شده است و یادآور شد: سازمان صدا و سیما به اسم برنامه‌سازی به اشغال طبقه مرفه بی‌هویت درآمده است و یک اقلیتی برای صدا و سیما تعیین تکلیف می‌کنند.

او با بیان این که سازمان صداوسیما نیازمند عملیات ضدسانسور است، خاطرنشان کرد: صدا و سیما راجع به انقلاب سریالی می‌سازد که ۱۰۰ قسمت دارد، اما دین و اسلام در آن وجود ندارد، چرا مدیران ما شرمنده هستند و خجالت می‌کشند.

جلیلی یادآور شد: سازمان صدا و سیما را در خدمت اقلیت محدود درآورده‌اید. در طول این ۲۰ سال گذشته آیا یک کاراکتر حزب‌اللهی در سریال‌ها نشان داده‌اید؟ فردی همچون حاج کاظم را در سینما هم نداریم. او با اشاره به این که مدیران سازمان صدا و سیما در قبال ساخت سریال‌هایی با شخصیت‌های حزب‌اللهی ممانعت به عمل می‌آورند، اظهار کرد: مدیران تلویزیون در انتقادهای ما عنوان می‌کنند که ما در تلویزیون نمی‌توانیم فقط به قشر اقلیت بپردازیم و باید برای کل جامعه برنامه بسازیم.

وی در پایان گفت: همان خدایی که خرمشهر را آزاد کرد ان‌شاءالله سازمان صدا و سیما را از دست اقلیتی که ادعای بی شماری دارند، آزاد کند. اسلامی که امروز در سازمان صدا و سیما عرضه می‌شود چه اسلامی است؟ فهم مذهبی و تفکر دینی که در این سازمان وجود دارد در حد مرحوم فهیمه رحیمی است. آن هم در میان مدیرانی که خود را فرهیخته‌ترین مدیران سازمان صدا سیما می‌دانند، اما آنتن را که می‌بینید خروجی چیز دیگری است.

سازمان صدا و سیما این گونه نیست که نیرو نداشته باشد، بلکه باید عدالت رسانه‌ای خود را اصلاح کند. مشکل سازمان صداوسیما، نرم افزاری است. ۲۵ سال دانشگاه صدا و سیما در اختیار اصولگراها بوده است. آن وقت نتوانسته است دو خبرنگار تربیت کند؟ در این ۲۵ سال ما موشک هوا کرده‌ایم و... کارهای بزرگ دیگری انجام داده‌ایم. متأسفانه صدا و سیما برنامه‌ای با عنوان بدون تعارف را راه انداخته است که آخر تعارف است!

«سرو زیر آب» در راه اکران

سیما و سینما: سخنگوی شورای صنفی نمایش با اشاره به اینکه قرارداد «سرو زیر آب» بسته شده است، بیان کرد «آهوی پیشونی سفید ۲» به مناسبت هفته کودک اکران می‌شود.

غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی نمایش با اشاره به جلسه این شورا گفت: در جلسه دوشنبه ۱۶ مهر شورای صنفی نمایش مقرر شد تا فیلم سینمایی «لس آنجلس-تهران» به کارگردانی تینا پاکروان از روز چهارشنبه ۱۸ مهر ماه به جای «سوفی و دیوانه» به کارگردانی مهدی کرم پور در گروه سینمایی کورش اکران شود.

وی با اشاره به اینکه اکران «سوفی و دیوانه» در زیر گروه سینمایی خود ادامه دارد، بیان کرد: به مناسبت هفته کودک فیلم «آهوی پیشونی سفید۲» به کارگردانی جواد هاشمی در گروه زندگی از چهارشنبه ۱۸ مهر ماه روی پرده سینماها می‌رود.فرجی در پایان عنوان کرد: قرارداد فیلم «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر در گروه سینمایی آزادی بعد از «مغزهای کوچک زنگ زده» به کارگردانی هومن سیدی بسته شده است.

بازتاب

اظهارات اهالی هنر هفتم در مورد ورود پول‌های مشکوک و دستمزدهای نجومی بازیگران ادامه دارد

چرا مسئولان جلوی ورود پول‌های کثیف را به سینما نمی‌گیرند؟!

سیما و سینما: این روزها اهالی سینما نگران ورود پول‌های مشکوک به صنعت این حوزه هستند و بعضی با اطلاق نام پول‌های کثیف به این بودجه‌های کلان واکنش نشان داده و با بیان آفت های ورود این سرمایه‌ها به سینما نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. در ادامه گفت وگوی چند تن از اهالی سینما را در این خصوص می‌خوانیم.

پولشویی بخش خصوصی را نابود می‌کند

احمد احمدی تهیه کننده سینما: ورود پول‌های مشکوک به سینما و دستمزدهای نجومی برخی بازیگران موجب نابودی بخش خصوصی سینما می‌شود که در نهایت آسیب آن به همه می‌رسد.

احمدی درباره تأثیر پولشویی و ورود پول‌های مشکوک بر دستمزد عوامل فیلم خاطرنشان کرد: این اتفاق به شکلی در شبکه نمایش خانگی هم در حال رخ دادن است که اثرات آن در سینما نیز دیده می‌شود و دستمزدهای نجومی خطر نابودی کامل بخش خصوصی را به دنبال دارد که البته برای خود بازیگران نیز خطر خواهد داشت چون به هر حال در همین حیطه کار می‌کنند.

البته این ماجرا یک وجه دیگر هم دارد چون علاوه بر نابودی بخش خصوصی تولید سینما، ظلمی هم به دیگر عوامل سینما وارد می‌شود مثل عوامل فنی یا آن‌هایی که نفر اول می‌آیند و نفر آخر می‌روند و برایشان سؤال است که چرا مثلاً یک بازیگر باید ۸۰۰ میلیون بگیرد و یک دستیار فنی سه میلیون تومان؟

عوامل فنی سینما از پول‌های کثیف نفع نمی‌برند

مسعود سلامی فیلمبردار سینما نیز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره ورود پول‌های شائبه‌دار به تولید فیلم در سینما با بیان اینکه از ورود پول‌های کثیف فقط بازیگران سود نمی‌برند، بلکه تهیه‌کنندگان هم منتفع می‌شوند، اظهار کرد: اگر تهیه‌کنندگان از این قضیه سود نمی‌بردند، تن به چنین کاری نمی‌دادند؛ کما اینکه در این حوزه تهیه‌کنندگانی وجود دارد که حتی از مصاحبت با سرمایه‌گذارانی که پول بزرگی وارد این عرصه می‌کنند، خوشحال می‌شوند، چراکه در شراکت آن‌ها سودهای کلانی وجود دارد.

به این صورت که هرچقدر هزینه ساخت فیلم بالاتر برود درصد مالکیت این تهیه‌کنندگان هم بیشتر می‌شود از همین رو چنین تهیه‌کنندگانی شاید در ظاهر بگویند که این پول‌ها سینما را به خطر می‌اندازد، اما در باطن از این اتفاق خوشحال می‌شوند.

سلامی تأکید کرد: اگر تهیه‌کنندگان ناراضی بودند و سود نمی‌بردند، حاضر به همکاری با چنین سرمایه‌گذارانی نمی‌شدند. از این قضیه هم بازیگران و هم تهیه کنندگان سود می‌برند. این با این وجود عوامل فنی مجبور هستند با کمترین هزینه و کمترین امکانات کار کنند تا دوستان دیده شوند و فیلم تهیه‌کنندگان فروخته شود.

گرفتار دوگانگی هستیم

فیلمبردار «خفگی» بیان کرد: من هم شنیده‌ام که پول‌های کثیف وارد این حوزه شده و حتی عوامل همان فیلم‌هایی که این پول‌ها را دریافت می‌کنند به من پیشنهاد کار می‌دهند، اما من کارشناس پول کثیف و تمیز نیستم که پیگیری کنم تا ببینم پولی که به من داده می‌شود کثیف است یا نه.

اگر کثیف هست و کشور قانون دارد، حتماً قوه قضائیه هم می‌داند که این جریان در سینما حاکم است، اما چرا جلوی آن را نمی‌گیرد؟

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۸۰۴/۲ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۴۹۱۵
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۸۹۶۹
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴
دفترخانه ازدواج شماره ۲۹ شهر حصار گرمخان استان خراسان شمالی
آگهی ابلاغ اجرائیه مهریه کلاسه ۹۷۰۴۹۱۵
بدین وسیله به آقای مجتبی بهروان نام پدر: علی اکبر تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۰۶/۰۸ شماره ملی: ۰۹۴۳۳۴۱۹۲۲ شماره شناسنامه: ۱۱۴۸ ابلاغ می‌شود که خانم نجمه حسینی معصوم جهت وصول ۶۴ عدد سکه تمام بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۱۱۱۳ - ۱۳۸۱/۰۶/۰۹ دفترخانه ازدواج شماره ۲۹ شهر حصار گرمخان علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۷۰۴۹۱۵ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۸ ابلاغ واقعی میسر نگردید. بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. م.الف ۴۸۴ آ۹۷۱۰۹۶۱
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۲۹۹۱/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۴۳۴۸
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۸۳۴۵
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲
آگهی
دفترخانه ازدواج شماره ۱۰۳ شهر مشهد استان خراسان رضوی
بدین وسیله به آقای علی رضائی کلاته فرزند برات شناسنامه شماره ۴۲۰۶ شماره ملی ۰۹۳۹۶۸۸۰۱۸ صادره از مشهد ساکن سراه دانش- روبروی سپاه پاسداران ابلاغ می‌شود که خانم مریم آراسته جهت وصول مبلغ ده میلیون ریال به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۱۰۲۹۸ دفتر ۱۰۳ مشهد (مقوم به ۲۴۲/۵۸۸/۴۹۵ ریال) علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۷۰۴۳۴۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۷ مأمور، در محل اقامت شما به شرح اعلامی امکان ابلاغ واقعی میسر نبود، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. م.الف ۴۸۵ آ۹۷۱۰۹۶۲
رییس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۵۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۷۵۳/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۵۰۳۱۳۴
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۸۹۶۴
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴
دفترخانه ازدواج شماره ۹۷ شهر مشهد استان خراسان رضوی
آگهی ابلاغ اجرائیه پرونده کلاسه ۹۵/۹۲/۱۷۵۳
بدین وسیله به آقای محمد ایروانی فرزند حسین شماره شناسنامه ۱۰۸۷ و کدملی ۴۵۶۹۲۹۰۳۰۲ ابلاغ می‌شود که خانم طیبه خدابنده‌لو جهت وصول مهریه خود به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بر اساس شاخص سال ۹۶ به مبلغ ۹۲۶/۶۱۹/۷۱۸ ریال) سند ازدواج ۱۶۴۳۷- ۱۳۶۳/۵/۲۵ دفتر ازدواج ۹۷ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۵/۹۲/۱۷۵۳ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مأمور پست، بدلیل عدم ابلاغ در آدرس متن سند ابلاغ اجرائیه میسر نگردیده است. لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب میگردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. م.الف ۴۸۶ آ۹۷۱۰۹۶۳
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۶۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۷۹۴/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۶۰۳۱۴۰
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۸۹۶۶
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴
آگهی
بدین وسیله به خانم سکینه سیف نام پدر: عبدالغنی شماره ملی ۰۹۳۱۴۹۰۴۲۱ ابلاغ می‌گردد:
در خصوص اعتراض به نظریه رئیس ثبت مراتب به ثبت استان خراسان رضوی گزارش و منجر به صدور رأی هیئت نظارت به شماره ۱۳۹۷۱۸۷۰۶۰۹۴۰۰۰۴۱۷- ۹۶/۶/۲۵ به شرح بین الهلالین گردید: (به عنایت به گزارش شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد و گزارش کارشناس ثبت استان و بررسی سوابق ارسالی و لایحه اعتراضیه معترض هیئت با توجه به ارزش خودرو و مدل آن و مال توقیف شده مستثنیات موضوع بند ۵ ماده ۶۱ آیین‌نامه تشخیص و با نقض نظریه آقای رئیس اجرا رأی به رفع توقیف صادر می‌گردد. توضیح اینکه نسبت به مال غیرمنقول توقیف شده حسب تقاضای طرفین اقدام گردد). م.الف ۴۸۷ آ۹۷۱۰۹۶۴
شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۲۸۰۰/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۴۰۸۳
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۸۷۶۸ تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۰۹
دفترخانه ازدواج ۳۱ شهر مشهد استان خراسان رضوی
آگهی ابلاغ اجرائیه مهریه پرونده ۹۷۰۴۰۸۳
بدین وسیله به آقای کیوان میلانی نام پدر: همایون تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۰۶/۳۰ شماره ملی: ۰۹۳۹۶۲۴۴۵۱ شماره شناسنامه: ۱۴۷۵ ابلاغ می‌شود که خانم سحر سامی کرمانی جهت وصول ۳۵۰ عدد سکه کامل بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۳۲۷۸ دفتر ازدواج ۳۱ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۷۰۴۰۸۳ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۷/۶/۱۰ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. م.الف ۴۸۸ آ۹۷۱۰۹۶۵
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۸۷۰۰۰۴۰۰۶۰۹۱۰۰۰۰۲/۱ شماره بایگانی پرونده: ۸۷۰۰۰۰۴
شماره آگهی ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۳۸۰۶۰۹۱۰۰۰۰۱۵
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱
ابلاغ اخطاریه ارزیابی پرونده کلاسه ۶۷۹/۵۷
پیرو اجرائیه صادره کلاسه ۶۷۹/۵۷ (۸۷۰۰۰۰۴) له بانک تجارت علیه شرکت مشهد گیربکس با توجه به اعتراض شرکت مذکور به مبلغ ارزیابی شش دانگ پلاک ثبتی ۱۲۳ فرعی از ۱۶۸ اصلی بخش ۱۰ مشهد طبق ماده ۱۰۲ آیین‌نامه آقایان بهرام شیخ و حسین طلوعی و سعید فرزادفر به عنوان کارشناس هیئت جهت ارزیابی پلاک ثبتی فوق‌الذکر انتخاب گردیده است و همچنین جهت پلاک ۱۲۱ فرعی از ۱۶۸ اصلی بخش ۱۰ مشهد آقایان محسن کزازی و محسن گرامی و محمد یگانه خراسانی به قید قرعه انتخاب گردیده است که مراتب جهت اطلاع اعلام می‌گردد، مقتضی است چنانچه به تعیین ارزیابان فوق معترض هستید. مراتب اعتراض خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات تا ۵ روز پس از تاریخ انتشار به این اداره واصل نمایید. م.الف ۴۸۹ آ۹۷۱۰۹۶۶
مسئول شعبه اول اداره اجرای مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۰۵۴۴/۱
شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۳۸۸۴
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۷۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۲۶۶۹
تاریخ صدور: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰
آگهی ابلاغ اجرائیه پرونده کلاسه ۹۷۰۳۸۸۴
بدینوسیله به
* سیداشرف مهدی‌پور نام پدر: سیدباقر با شماره ملی: ۲۷۲۰۹۱۶۳۲۳ شماره شناسنامه: ۳۶۶۱ ابلاغ می‌گردد آقای رمضان علی شوقی (بستانکار) به استناد یک فقره چک به شماره ۶۸/۲۶۹۰۵۴، تاریخ چک: ۱۳۹۴/۰۸/۰۵ به عهده بانک سینا با شماره گواهی عدم پرداخت ۱۳۶۵۲ و تاریخ برگشت چک ۹۶/۱۲/۱۶ اجرائیه‌ای تحت کلاسه ۹۷۰۳۸۸۴ به مبلغ ۷۰۰ میلیون ریال علیه شما صادر نموده است و چون برابر گزارش مأمور پست مشهد، آدرس شما مورد شناسایی واقع نگردیده، است، لذا بدینوسیله به شما ابلاغ میگردد طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، یک نوبت در روزنامه جهت اطلاع شما منتشر و از زمان انتشار در روزنامه، اجرائیه ابلاغ شده محسوب، ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. م.الف ۴۹۰ آ۹۷۱۰۹۶۷
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
علیرضا لعلی

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۷
۲۹ محرم ۱۴۴۰ | ۹ اکتبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۰۱

گزارش از شخص

روزنامه‌نگار خیلی معتدل!

ابهام‌ها درباره سرنوشت «جمال خاشُقجی» ادامه دارد

ایستگاه/ مجید تربت زاده

همه چیز ماجرا از همان یک هفته پیش که «جمال خاشقجی» در ترکیه ناپدید شد، مشکوک بود. دولتمردان آل سعود در دو یا سه سال اخیر آن قدر در عرصه سیاست، دیپلماسی و کشورداری عجیب و غریب رفتار کرده و راست و دروغ به هم بافته‌اند که می‌شود هر شایعه‌ای را درباره آن‌ها باور کرد؛ پیشاپیش برایش خبر، گزارش و حتی داستان نوشت و پیش از هر کس، انگشت اتهام را به طرف همه کاره‌اش یعنی «محمد بن سلمان» گرفت! رژیم و تشکیلاتی که یکباره همه شاهزاده‌های با خطر و بی‌خطر سعودی را بازداشت و زندانی می‌کند، نیشِ نیشدارهایشان را می‌کشد، حساب‌های بانکی‌شان را خالی می‌کند، «سعد حریری» لبنانی را به ریاض کشانده، بازداشت و تحقیرش می‌کند و... همواره متهم اصلی هر ماجرایی است که از آن بوی جنایت و خیانت به مشام می‌رسد. بنابراین اجازه بدهید همین ابتدای مطلب، کشته شدن روزنامه‌نگار سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول را باور کنیم، حتی اگر خدای ناکرده، فردا و پس فردا سر و کله «جمال خاشقجی» در یک گوشه دور افتاده جهان و یا در زندان‌های آل‌سعود پیدا شود!

آقای مدیر کل

بدون جنجال‌های خبری چند روز اخیر هم، برخی افراد خاندان «خاشُقجی» با وجود نام خانوادگی عجیب و غریبی که ممکن است شما تا امروز به گوشتان نخورده باشد، از جمله شخصیت‌های پر سر و صدای عربستان به حساب می‌آیند. «جمال» که یک هفته پیش در ترکیه ناپدید شد و حالا همه از کشته شدنش حرف می‌زنند، روزنامه‌نگار کهنه کار و سرشناس این کشور است و نه تنها خوانندگان روزنامه‌های «الحیات»، «الوطن» و... در خاورمیانه بلکه علاقه‌مندان به « اشپیگل، فایننشال تایمز و واشنگتن پست»در اروپا و آمریکا نیز با یادداشت‌ها و تحلیل‌های او آشنایند. «جمال خاشقجی» سال ۱۹۵۸ در مدینه به دنیا آمد و روزنامه‌نگاری را با خبرنگاری در چند روزنامه مختلف آغاز کرد و بعدها که حرفه‌ای‌تر شد تا سردبیری برخی روزنامه‌ها از جمله «وطن» پیش رفت. البته «جمال» پیشرفت و سرشناس شدنش را مدیون روابط خاص با شاهزاده‌ها و سیاستمداران ریز و درشت و نزدیکان به دربار آل سعود بود. او سال ۲۰۰۴ مشاور رسانه‌ای «ترکی الفیصل» سفیر سابق عربستان در لندن و واشنگتن بود و با شاهزاده مولتی میلیاردر «ولید بن طلال» که سال گذشته توسط «بن سلمان» دستگیرشد نیز روابط بسیار خوبی داشت. آن قدر خوب که «طلال» وقتی شبکه خبری «العرب» را در بحرین به راه انداخت «جمال» را به عنوان مدیرکل شبکه انتخاب کرد. البته عمر شبکه «العرب» طولانی نشد و یک روز پس از آغاز به کار تعطیل شد.

پسر عموی «عدنان»

«جمال» پسر عموی «عدنان خاشقجی» دلال سرشناس اسلحه نیز هست. «عدنان» که دو سال پیش در لندن درگذشت، همان شخصیت جنجالی است که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، زمینه فروش تسلیحات آمریکایی به عربستان را فراهم کرد، پورسانت‌های نجومی گرفت و کم کم به یکی از ثروتمندترین مردان جهان تبدیل شد. در دهه ۸۰ دلالی تسلیحات برای فرانسه را انجام می‌داد و قایق تفریحی ۸۶ متری‌اش که ۷۰ میلیون دلار قیمت داشت همان قایقی است که پیش از فروخته شدن به سلطان «برونئی» در فیلم‌های معروف «جیمز باند» از آن استفاده می‌شد. او که به خاطر زندگی تجملاتی و برگزاری میهمانی‌های چند روزه و چند میلیون دلاری شهرت داشت، در ماجرای افشای «سفر مک فارلین» به تهران، متهم به همکاری با «منوچهر قربانی فر» در دلالی اسلحه شد و بعد هم در سال ۱۹۸۸ در سوئیس بازداشت شد، چون با بیوه دیکتاتور فیلیپین - مارکوس - در یک فساد مالی تبانی کرده بود. البته بعدها دادگاهی در نیویورک هر دو نفر را تبرئه کرد! این‌ها را گفتیم که باور کنید خاندان « خاشقجی» پیش از ماجرای اخیر به اندازه کافی در عربستان و جهان سرشناس و البته جنجال برانگیز بوده‌اند.

دیدگاه شخصی

مثل خیلی از خبرهای مهم دیگری که ابتدا از فضای مجازی و پیام رسان‌های مختلف به بیرون درز و سپس همه رسانه‌ها را درگیر می‌کند، خبر ناپدید شدن روزنامه‌نگار عربستانی هم نخستین بار هفته گذشته در توییتر منتشر شد. توییت‌هایی که فعالان عربستانی منتشر کرده بودند، حکایت از این داشت که «جمال خاشقجی» سه شنبه هفته پیش، وقتی در ۶۰ سالگی برای ثبت ازدواج با نامزد ترکیه‌ای خود مجبور شد به کنسولگری عربستان در استانبول برود، ناپدید شد! روزنامه نگار به اصطلاح اصلاح طلب که از مدتی پیش در لیست سیاه حاکمان ریاض قرار گرفته بود، زمان «ملک عبدالله» فردی رسانه‌ای و نزدیک به دربار و خاندان سلطنتی به شمار می‌رفت و دوران طلایی کار رسانه‌ای را می‌گذراند. اگرچه با به قدرت رسیدن «ملک سلمان» و سپس همه کاره شدن فرزندش «بن سلمان» خاشقجی آرام آرام از دَم و دستگاه حکومت و دربار فاصله گرفت اما حتی تا ابتدای ریاست جمهوری «ترامپ» در آمریکا بسیاری از فعالان سیاسی و سیاستمداران غربی، تحلیل‌ها و نوشته‌های او را دیدگاه دولت عربستان می‌دانستند. وقتی «خاشقجی» انتقادهایش از سیاست ترامپ در خاورمیانه را آغاز کرد، مقام‌های ریاض مجبور شدند اعلام کنند: نظرات این روزنامه‌نگار شخصی است و دیدگاه دولت عربستان به حساب نمی‌آید. پس از آن هم سعودی‌ها تلاش کردند «خاشقجی» را هر طور هست محدود کنند، آن قدر که او به تبعید خودخواسته تن داد و در آمریکا ساکن شد.

منتقد خیلی معتدل

نامزدش - خدیجه چنگیز - گفت: «... پیش از وارد شدن به کنسولگری عربستان تماس گرفت و گفت اجازه ندارم تلفن همراه را به داخل کنسولگری ببرم... اگر از من خبری نشد با مشاور رئیس جمهور ترکیه تماس بگیر»! خدیجه ۱۱ ساعت انتظار بازگشت «جمال» را می‌کشد و چون خبری نمی‌شود، خبر ناپدید شدنش را اعلام می‌کند. ناپدید شدنش البته برای آن هایی که آل سعود، بن سلمان و «خاشقجی» را از پیش می‌شناختند، خبرِ غیرمترقبه‌ای به حساب نمی‌آمد! او خودش هم می‌دانست در فهرست افراد تحت تعقیب « بن سلمان» قرار دارد.

برای همین جانش را برداشته و به واشنگتن رفته بود. روزنامه نگاری که سال‌ها پیش در سایه توجه ریاض، جرئت کرده و توانسته بود با « بن لادن» در سومالی و افغانستان دیدار کند و از او مصاحبه اختصاصی بگیرد، کم کم به منتقد معتدل حاکمان ریاض تبدیل شد و زبان به انتقادهای آشکار باز کرد. او اگرچه در ماجرای اعدام « شیخ نمر» از پادشاهی عربستان تعریف و تمجید کرده بود اما به سیاست‌های « بن سلمان» در یمن و بحرین و اصلاحات نمادینش در عربستان اعتراض می‌کرد. منتقد بسیار معتدل، این اواخر به سیم آخر زد و در « واشنگتن پست» نوشت: «من خانه، خانواده و شغلم را ترک کردم تا صدای خود را به گوش جهان برسانم.

اگر چنین نمی‌کردم، خیانت به کسانی بود که در زندان می‌پوسند. من در موقعیتی هستم که وقتی صدای بسیاری خاموش است، می‌توانم حرف بزنم... بن سلمان حتی تحمل کوچک‌ترین انتقادی را ندارد...».

«جمال» اما انگار درباره موقعیت و مصونیتش کمی اشتباه کرده بود. از نگاه « بن سلمان» او در موقعیتی نبود که بتواند هرچه دلش می‌خواهد درباره آن‌ها که در زندان می‌پوسند بگوید!

بیا بِگرد!

نوعِ ناپدید شدنش اما غیر مترقبه و باور نکردنی بود. با توجه به پیشینه آل سعود، خیلی‌ها می‌توانستند حدس بزنند که روزنامه‌نگار منتقد، ممکن است روزی به دست عوامل سعودی در گوشه و کنار جهان سر به نیست شود. اما باور اینکه این اتفاق در کنسولگری عربستان بیفتد، سخت بود. بُهت و حیرت روزهای نخست رسانه‌ها، مخاطبانشان و سیاستمداران جهان نیز به همین دلیل بود که تا امروز سراغ نداشتند که رژیمی، معترضان و منتقدان را در کنسولگری یا سفارتخانه سر به نیست کند! مقام‌های امنیتی ترکیه و یک دیپلمات از یک کشور عربی در ترکیه با رسانه‌ها در مورد سرنوشت «خاشقجی» گفت‌وگو کردند و همه هم بر یک نکته اتفاق نظر داشتند که روزنامه‌نگار سعودی در کنسولگری عربستان به قتل رسیده است. یکی از این مقام‌ها به رویترز گفت: «برآورد اولیه پلیس ترکیه نشان می‌دهد که آقای خاشقجی درون کنسولگری به قتل رسیده است. بر این باوریم که این قتل از قبل برنامه‌ریزی شده بود و جسد او بعد از قتل از کنسولگری خارج شده است».

مقام‌های عربستان سعودی اما این اتهام‌ها را تکذیب کردند. « بن سلمان» هم طبق معمول از سرنوشت خاشقجی اظهار بی‌اطلاعی کرده است و یک مقام ارشد در کنسولگری عربستان گفته است: «هیئتی از مقام‌های امنیتی عربستان روز شنبه برای همکاری با ترکیه در این پرونده به استانبول وارد شده‌اند». کنسولگری عربستان مثلاً شفاف‌سازی هم کرد و از خبرنگار «رویترز» خواست بیاید اتاق‌های کنسولگری را بگردد و ببیند که «خاشقجی» اینجا نیست! «محمد العطیبی» سرکنسول عربستان در استانبول در برابر فشار رسانه‌ها برای نشان دادن تصویر خروج « جمال» از کنسولگری، به رسانه‌ها گفت:«دوربین‌های ساختمان کنسولگری قادر به ضبط تصاویر نیستند و فقط برای این تعبیه شده‌اند که تصاویر زنده را برای نگهبانان و نیروهای امنیتی پخش کنند»!

منابع موثق... غیر موثق

کار به جایی رسید که « اردوغان» نیز وارد ماجرا شد و از بروز چنین اتفاقی در کشورش اظهار تأسف کرد. خبرها و اظهار نظرها از قول منابع موثق و غیر موثق و مقام‌ها و مسئولانی که «خواسته‌اند نامشان فاش نشود» همه و همه بر کشته شدن «خاشقجی» در کنسولگری عربستان دلالت دارند.

پس از اینکه خبرگزاری فرانسه تأیید کرد روزنامه نگار معترض عربستانی به وسیله یک گروه ویژه ترور در استانبول به قتل رسیده است و دولت ترکیه نیز قتل را تأیید کرد «مجتهد» افشاگر معروف عربستانی نیز دست به کار شد و در توییتر نوشت: «عملیات ترور «جمال خاشقجی» توسط فرد نزدیک به «محمد بن سلمان» مدیریت شده است... وی زیر شکنجه، کشته و سپس مُثله شده است». البته پیش از « مجتهد» یک مسئول در پلیس ترکیه اعلام کرده بود که «خاشقجی» به طرز فجیعی شکنجه شده و جسدش را پس از مرگ قطعه قطعه کرده‌اند... از همه چیز نیز فیلمبرداری شده تا بتوانند ثابت کنند مأموریت بخوبی انجام گرفته است!

خبرهای دیگر می‌گویند: همزمان با حضور خاشقجی در کنسولگری عربستان، ۱۵ مسئول سعودی با دو فروند هواپیما وارد ترکیه شدند و در همان روز نیز خاک این کشور را ترک کرده‌اند... با این وجود هنوز ابهام‌های بسیاری درباره سرنوشت روزنامه‌نگار معترض و معتدل وجود دارد.

حتی اگر چند روز دیگر خبر رسید، زنده یا مُرده « خاشقجی» در واشنگتن، جزایر هاوایی، ریاض، بحرین و... پیدا شده است، حیرت نکنید!

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

درباره «لِنگش کُن»

تعمیرکار آمده بود ترکیدگی لوله را پیدا کند، آدم واردی بود و ابزار هم داشت.چیزی شبیه گنج یاب بود که تا به حال ندیده بودم، یکی دو تا سرامیک را کند و رطوبتی پیدا کرد و داشت کار می‌کرد. من و صاحبخانه مان هم ساکت نشسته بودیم کناری و اگر چیزی می‌خواست بهش می‌رساندیم اما مدیر ساختمان هم که مرد محترم و عزیزی است ایستاده بود و نکاتی را گوشزد می‌کرد، تعمیرکار معذب بود و مدام جواب این بنده خدا را با احترام می‌داد و همین‌ها باعث شد، در شرایطی که خودش هم مطمئن نبود،با چند رقم توجیه ما را قانع کند که مشکل را پیدا و حل کرده است. سرامیک‌ها را دوباره نصب کرد و به سرعت رفت، من پیش خودم مطمئن بودم که مشکل حل نشده است و همزمان مطمئن بودم که اوستا هم می‌دانست که مشکل حل نشده است ولی به خاطر تذکرات صاحبخانه، نوعی عصبیت و خستگی فوری در او ایجاد شد... بسرعت صورت مسئله را پاک کرد و از صحنه گریخت ! البته که مشکل حل نشده باعث شد دوباره بیاید و این بار درست مسئله را حل کند.

ارائه راهکار و به قول معروف نقد و نظر خیلی وقت‌ها حالت «لنگش کن» پیدا می‌کند و پهلوانی که داخل میدان است با اینکه توان هم دارد در این وضعیت دچار عصبیت و استرس می‌شود و نمی‌تواند بدرستی مسئله را حل کند. ارزش آزادی همین است هر کسی که مهارت و دانش کاری را دارد باید حد معقولی از اختیار هم داشته باشد تا بتواند درست کار کند. خیلی از مشکلات تربیتی بچه‌ها به خاطر همین سبک رفتاری است. بچه خودش می‌تواند از روی لبه جدولی راه برود ولی پدر و مادر محتاط مدام تذکر می‌دهند و همین باعث می‌شود که نتواند یا اینکه هراس وجود والدین وارد وجود او شود و نتواند درست بازی کند.

یادم است پسرم سه ساله بود و یک دستش هم ماشین اسباب بازی و من بدون اینکه مدام به او دستور بدهم که چطور حرکت کند در فاصله‌ای متناسب از او حرکت می‌کردم تا مهارت‌های بازی را خودش به دست بیاورد.

همین موقع بچه‌های دبستانی آمدند و یکی از آن‌ها به من گفت که پسرم نمی‌تواند از پله‌های سرسره با این قد و با این ماشین اسباب بازی که دستش است بالا برود، به او گفتم بایست و تماشا کن و هیچی نگو، بچه با یک دست چنان خودش را خوب بالا می‌کشید که شادی و تحیر وجود آن بچه‌های دبستانی را پر کرد؛ البته که تشویق خاص و ویژه هم به فرایندهای طبیعی رشد آدم‌ها ضربه می‌زند و مدام با هر حرکتی وجود آن‌ها منتظر تشویق می‌ماند باید لذت یافتن و دریافتن موتور اصلی حرکت آدمیزاد باشد وگرنه چه با تذکر و توبیخ زیاد و چه با تشویق و تحریک زیاد کار پیش نمی‌رود.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

تصمیم‌شجاعانه

هفته‌نامه تایم مانند بسیاری از نشریه‌های بزرگ این کشور، موضوع اصلی جدیدترین شماره خود را به داغ‌ترین حاشیه موجود در آمریکا یعنی نامزدی «برت کاوانا» برای سمت بسیار حساس دیوان عالی ایالات متحده و متهم شدن همزمان وی به تجاوز جنسی اختصاص داده است. تایم با به روی جلد بردن تصویر «کریستین بلیزی فورد» زنی که در دادگاه به خاطر این تجاوز علیه کاوانا شکایت کرده، با تیتر «تأثیر ماندگار او» تصمیم این زن را شجاعانه و انقلابی می‌داند. این نشریه چهره فورد بر روی جلد خود را با استفاده از جملات او در دادگاه ساخته است.

به زحل نزدیک می‌شویم

مجله ساینس در گزارشی به موفقیت بزرگ دانشمندان حوزه نجوم در به دست آوردن اطلاعات گسترده و جدید از سیاره زحل پرداخته است. این هفته‌نامه با انتخاب تیتر «نزدیک شدن به زحل» از دستاورد بزرگ ناسا در قرار دادن کاوشگر کاسینی در حلقه مشهور اطراف این سیاره خبر می‌دهد.

این نشریه همچنین در مقاله جداگانه‌ای به ضرر شدید عضلات بدن پس از فناوری ویرایش در ژن‌های انسان پرداخته که به پلاسیدگی عضلانی مشهور است؛ همچنین گزارشی درباره امکان کشف داستان کهکشان‌ها با بررسی گازهای باقی‌مانده از ستارگان به چاپ رسانده است.

طرح روز / جیب‌هایت را بِتکان!

روزنامه قدس العربی که در لندن چاپ می‌شود با چاپ این کاریکاتور به باج خواهی‌های پی در پی «ترامپ» از عربستان واکنش نشان داده است.

گویا رئیس جمهور آمریکا کماکان به دوشیدن گاو شیرده‌اش در منطقه امیدوار است.

روزمره‌نگاری

مادری در مزرعه جورج اورول

ایستگاه / رقیه توسلی | به من اگر که باشد، می‌گویم رُمان مزرعه حیوانات ۲ را باید برادرخان بنویسد... به خاطر سهم بسزایش در دوستی با موجودات زنده... و به دلیل عشقی که به نگهداری جانداران آسمانی و زمینی و دریایی دارد. از وقتی شناختمش، دستم آمده چقدر زیاد ماهی‌ها و لاک پشت‌ها و قورباغه‌ها را دوست دارد... با اسرار پروانه‌ها و طوطی‌ها و زنبورها و مرغکانِ بالدار آشناست... و از دیدن خرگوش و خرس و گوزن و مارمولک و سنجاب و اسب و شتر، سَرِ کیف می‌آید.

همین جورج اورول ناشناخته، حالا دعوت مان کرده به سرزمین عجایبش. مزرعه‌ای دارد که سال هاست وقت گذراندن در آن را به هرجای دیگری ترجیح می‌دهد. با چند همکار و دامپزشکی که یا مشغول به دنیا آوردن نوزادان‌اند یا سرگرمِ تیمارگری.

می‌رسیم به قلعه حیوانات؛ اما کسی نه برای استقبال مان می‌آید، نه تلفن هایمان را جواب می‌دهد. بناچار ورود می‌کنیم به محوطه سبز و پُرحیوان... از هر جَک و جانوری چندتایی موجود است... حس و حال غریبی دست می‌دهد از بودن در «باغِ اهل»... در محدوده‌ای که می‌دانیم ساکنانش مثل آدم‌ها اسم و شناسنامه دارند.

غرقِ آغل و فنس بندی و غذادهی و آراستگی و آفتابگیری آشیانه‌های مجموعه‌ایم که بالاخره «فرید» برادرخان را در طویله پیدا می‌کند.«چشم طلایی» انگار زایمان دارد... می‌دانستیم آبستن است، اما اینکه امروز زمان وضع حملش کلید می‌خورد را، نه.

همه سرک می‌کشند تا از وضعیت مادر و گوساله باخبر شوند جز من... دیدن درد کشیدن حیوان زبان بسته، تهوع دارم می‌کند... ۱۰ دقیقه‌ای قدم می‌زنم، اما شورشی که در دلم اُفتاده، انگار رفع شدنی نیست. ماده گاو سخت‌زا، گویی چند ساعت است که دارد تقلّا می‌کند بزاید و نمی‌شود.

این اولین پاییزی است که در عمرم برای یک حیوان پا به زا، اشک می‌ریزم و دعا می‌کنم. آن قدر که آقای همسر ترجیح می‌دهد نیامده، برویم از سرزمین عجایب.

پس در بدرقه چشمان ریز و درشت حیواناتِ باغ می‌زنیم بیرون درحالی که دل آشوبگی‌ام، پنج برابر و عُق ها، تبدیل به ضعف شدید می‌شوند. در راه درمانگاه، مُدام تَشَر می‌زنم که چرا «چشم طلایی» چغر و تنومند، در آستانه مادری وا رفت...؟ خدایا پس دکتر کجا مانده...؟ یعنی می‌شود که این چهارپا که مثل اَبر بهار شده چشم هایش، سالم فارغ شود...؟ که زیر سِرُم خوابم می‌برد... و با سَردرد پلک باز می‌کنم و می‌بینم دو تا از لامپ‌های سقفِ درمانگاه سوخته است.

پی نوشت: تا خانواده سرازیر نشده‌اند، کوچ می‌کنم سمت خانه با احوالی که از شوک هنوز خمار است.

مِهرنوشت: «جورج اورول»، عکس گوساله‌ها را که می‌فرستد - انگار B۱۲ تزریق کرده باشم - شارژ می‌شوم... آنجا دو چهارپای ملوسِ خیس، اسم ندارند!

مجاز آباد

برسد به دست مسئولان

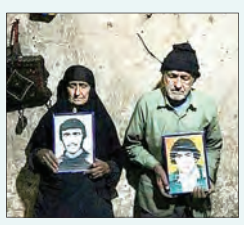

ایستگاه / حمید داوودآبادی، رزمنده و جانباز دوران دفاع مقدس در جدیدترین پست اینستاگرامی‌اش از خجالت برخی مسئولان و آقازاده‌ها درآمده است! آقای داوودآبادی با انتشار تصویری از پدر و مادر دو شهید که قاب عکس فرزندان شهیدشان را در دست دارند، در اینستاگرامش نوشته است: «برسد به دست مسئولان مملکتی، رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، مدیران حقوق نجومی بگیر، اختلاسگران و... بخصوص آنان که آقازاده هایشان را برای تحصیل به آغوش غرب فرستاده اند! اگر فرزندان این دو عزیز امروز بودند، قطعاً از مدیران کارآمد و دلسوز و خدمتگزار مملکت بودند، نه... ».

روز جهانی کودک فقط در ایران!

ایستگاه / کانون پروش فکری کودکان روز گذشته را روز جهانی کودک اعلام کرد. اما محمد سرشار، مدیر شبکه پویا در اینستاگرامش اعلام کرد که این روز اصلاً روز جهانی کودک نبوده است! آقای سرشار در اینستاگرامش نوشت: «نمی‌دانم مدیران کانون پرورش فکری از خودشان پرسیده‌اند در کدام کشورهای جهان، هشتم اکتبر به عنوان روز جهانی کودک جشن گرفته می‌شود؟ پیش خودشان تعجب نکرده‌اند که چرا هیچ خبرگزاری‌ای در جهان، گزارش مراسم روز جهانی کودک در هشتم اکتبر را مخابره نمی‌کند؟ از نظر سازمان ملل متحد، روز «۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) روز جهانی کودک» است. به همت کانون پرورش فکری، ایران «تنها» کشوری است که در هشتم اکتبر روز «جهانی» کودک دارد»!

علم بهتر است یا مدرک؟

ایستگاه / تصاویر خرابی‌هایی را که سیل در شمال کشور به بار آورده، حتماً دیده‌اید. کاربران فضای مجازی در این بین بیشتر از همه به تخریب پل‌ها واکنش نشان دادند. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده مردم شهرستان رشت در مجلس، هم با انتشار پستی در حساب کاربری توییتر خود به این موضوع واکنش نشان داد. آقای ایمن آبادی نوشت: «در جریان سیل اخیر، پل‌های ساخته شده توسط مهندسان بی مدرک با قدمت ۱۰۰ سال و شاید بیشتر هیچ‌گونه آسیبی ندید، ولی پل‌های با سابقه ساخت بعضاً کمتر از یک دهه توسط مهندسان با مدرک تحصیلی دهن پر کن تخریب شد! به نظرم موضوع انشای مدارس پس از این باید بشود، علم بهتر است یا مدرک ؟»